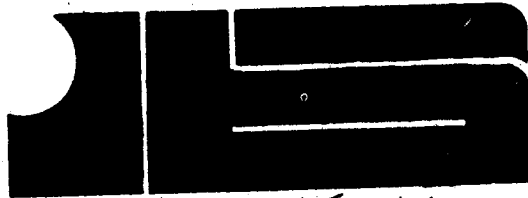


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
و پایگاه داخلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

چهارشنبه سوم تیر ۱۳۶۰

سال سوم شماره ۱۱۵

حول شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان" متحد شویم!

صفحه ۲

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق

سعید سلطانپور
بدست دژخیمان
رژیم جمهوری اسلامی



پاسداران سرمایه‌براهیمائی کارگران قهرمان
شهر صنعتی البرز، را بخون کشیدند

پاسداران سرمایه و نیروهای سرکوبگر
رژیم جمهوری اسلامی در روز ۲۷ خرداد ماه
را عظیمائی کارگران قهرمان شهر صنعتی
البرز را بخون کشیدند و با ردیگر چهره ضد
خلق خود را نشان دادند. در این کشتار
وحشیانه بیش از ۱۰۰ کارگر شهید و بیش
از ۵۰ نفر زخمی شدند و با سداران ۵۰۰ تن
را نیز دستگیر کردند.

بقیه در صفحه ۱۸

خبر کوتاه بود،
اعدامشان
کردند
صفحه ۱۷

تعمیرات سالروز ۸ تیر

از میان رفقایمان
تنها رفیقی که دوران قبل از مرگش
لقب کبیر گرفت او بود
صفحه ۱۵



در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● رهنمود به سواداران

اطلاعیه امور مالی
سازمان
به تمام هواداران و
نیروهای انقلابی

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل
مجلس مؤسسان

حول شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان" متحد شویم!

"ما هرگز این حقیقت را کتمان نکرده ایم که بر بنیادی انقلابی" و نه "قانونی" قرار گرفته ایم. اینک حکومت به سهم خود نیرنگ بنیاد قانونی را به کناری نهاده است. حکومت خود را بر بنیادی انقلابی قرار داده است، چرا که بنیاد نهاد انقلابی هم انقلابی است. (مارکس) رژیم جمهوری اسلامی اکنون تمام نیرنگهای بنیاد قانونی را به کنار نهاده است، حکومت چماق و سرکوب را در غیاب آنها و حتی کارخانه ها بنما پیش گذاشته است. گستاخانه توده های انقلابی را بر کبک راسل می بندد. طی چند روز گذشته مدها تن را با خاک و خون کشیده است. کارروائی رژیم به آنجا رسیده که بی محابا کارگران معترض را در شهرک صنعتی البرز بگلوله می بندد و با سداران حامی سرمایه تظاهرات انقلابی را در غیاب آنها بخون می کشند.

حکومت کشتار ره شکنجه، ترور، اعدام - های دسته جمعی و زندان را همیشه خود ساخته. هرگونه آزادی را از توده ها سلب کرده است و شنش زبان زور و سرکوب را برگزیده است. حکومت نیرنگ بنیاد قانونی را بکناری نهاده است "چهارمزه" ضد انقلابی خود را عربان ترنموده است و با قهر ضد انقلابی رودروی خلق قرار گرفته است.

اکنون با کنار رفتن پرده ها، توهم توده ها نیز بکنار میرود و هر دم جبهه های تازه در مبارزه علیه رژیم فریب و دروغ، رژیم پر بار کاری و سالیسی، رژیم تحمیق و سرکوب گشوده میشود و توده ها پیش از پیش بمرصه مبارزه آشکار با رژیم روی می آورند. چشماندازها نشان میدهد که انتظارش در غیض انقلابی توده ها میرفت، اکنون نمودار میگردد. این خیزش نوین و این اجیاء مجدد جنبش توده ای، این اوج گیری نا رضایتی و اعتراضی توده ای، نه بر اساس خواستها و تمایلات ذهنی این یا آن گروه بلکه از شرایط عینی پدید می آید که بر کل حیات جامعه و زندگی توده ها حکم فرماست.

بحران سراسر اقتصاد را فرا گرفته است. آنبوه کارگران، دهقانان و تهیستان بیگانه ز چهره شهرها و روستاها از غمزه و افسردگی نموده است. فشار بحران اقتصادی موجود هر روز زندگی فلاکت بارتری را به توده ها تحمیل میکند. فقرا اکنون بصورت پدیده ای عمومی در آمده است. قیمت ها با سرعتی سرسام آور افزایش می یابند. چهره بندی کالاهای مورد نیاز زحمتکشان و صف های طویل برای خرید این کالاهای فشار با زهم بیشتری را بتوده ها تحمیل

میکند. میلیونها آواره جنگی نیز بیخیل دریدران و بیکاران افزوده شده است. یکجنین شرایطی تضادهای طبقاتی را تشدید کرده است. تضاد میان کارگر و سرمایه دار، دهقانان و زمینداران - بزرگ، خرده فروشنده و تاجر با زار هر دم تشدید میشود و در کسبیت خود تضاد میان فقر و ثروت هر روز با عداوت اجتماعی نویسی می یابد. تمام تلاش محافل ضد انقلابی حاکم در جهت مهار زدن برای بحران و خامت باری که با به های متزلزل رژیم را لرزان تر کرده است، تاکنون بی ثمر مانده است. اوضاع سیاسی موجود نیز بیان چیزی جز با زتاب بحران سیاسی و ابعاد این بحران نیست.

تضاد جناحهای هیئت حاکمه که بر بستر این بحران و خیم مدام از شدت و حدت تازه ای برخوردار شده است، اکنون بصورت یک شکاف عمیق بروز کرده است. این امر نه تنها با زتاب بحران اقتصادی موجود، نا رضایتی توده ها و عدم ارضاء ابتدائی ترین نیازهای آنهاست بلکه از خود ویژگی خاصه ما پس از قیام که همانا کشاکش انقلاب و ضد انقلاب بوده - است ناشی میگردد. این خود ویژگی شرایطی را پدید آورده است که در هر انقلاب نیمه کاره، از انقلاب تکمیل نشده، هنگامی که یکی از دو نیروی انقلاب و ضد انقلاب سلطه قطعی نیافته است، بروز میکند.

از دست آورده های انقلابی خود دفاع میکنند و ضد انقلاب نیز مدام در پی آن بوده و هست که با فریب و سرکوب این دست آورده ها را با زور بس گیرد. در چنین شرایطی که یک دوران - انقلابی از حیات اجتماعی جامعه را در بر میگیرد و جامعه عرصه کشمکش این دو نیرو است، بحران سیاسی بروز میکند. در چنین شرایطی امکان تحولات سریع و تغییرات عظیم اجتناب ناپذیر است. تاریخ با گامهای غول آسا به پیش میرود. دورانی که ما اکنون در آن بسر می بریم سرشار از چنین رخدادها، تحولات و چرخشهای بسیار سریع بوده است. این تحولات ناشی از بیداری توده ها، کشیده شدن آنها به عرصه مبارزات آشکار و روحیه انقلابی در توده ها است. مقاومت و پایداری توده ها علیه رژیم تمام، توهم و اعتماد دشمن به حاکمیت طی دو سال گذشته گویای راستین این واقعیت است، که روحیه انقلابی - همچنان بر توده ها حاکم است و از دست آورده های انقلابی خود دفاع میکنند. این خود عاملی است که به بحران موجود دامن زده، بر تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه تا شهری قطعی برجای گذاشته

و بحران حکومتی را مدام شدت بخشیده - است. اکنون پس از گذشت بیش از دو سال از قیام بهمن ماه، دوران نخستین تجربه توده ها در برخورد با ضد انقلاب "چهارمزه" سپری میشود. توده ها پس از اعتمادی چون و چرا، خود به حاکمیت عملاً "چهارمزه" واقعی ضد انقلاب حاکم زار می یابند و در پس هر شعار آن، وعده و وعیدهای فریبنده گذشته را می بینند.

اکنون نا رضایتی توده های مردم، - نا رضایتی ای که ریشه در فقر و فلاکت آنها دارد و آماج میگردد، این یک واقعیت است. گسترش اعتراضات، اجتماعات، در - کنیهای پراکنده، برخوردها و تظاهرات غیابانی یک واقعیت است. پاره پاره شدن جناحهای هیئت حاکمه و رودروشی آنها با یکدیگر نیز یک واقعیت است. خلاصه کلام، جنبش مدام روبه اعتلاست. اجیاء نوین اشکال مبارزه آشکار و انقلابی توده ها هم اکنون بعینه آشکار میگردد. شکاف درونی هیئت حاکمه با زهم تشدید میشود و هم اکنون اکثریت توده ها اعتقاد خود را به حقانیت این رژیم از دست داده اند.

اکنون شرایط نوین، شعارهای نوین تا کنیکهای نوین و وظائف نوین را می طلبد. شرایطی فراهم شده است که ما میتوانیم و باید بطرح شعارهایی به برداریم که مستقیماً حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار دهد. اما این شعارها باید بگونه ای انتخاب گردد که منطبق با مرحله کنونی جنبش توده ها، موقعیت هیئت حاکمه، ذهنیت توده ها و صف بندی و توازن نیروهای طبقاتی باشد. بنا بر این هنوز نمیتوان مستقیماً "از توده ها سرنگونی قهرآمیز حاکمیت را طلب کرد. بلکه باید از ضعیف ترین و آسیب پذیرترین حلقه آن آغاز نمود. این ضعیف ترین حلقه، بدین معنا که توده ها خود در تجربه روزمره شان آنرا لمس کرده اند و مورد نفرت بخشی عظیمی از توده های مردم است، حزب جمهوری - اسلامی است. این حزب مانع رشد مبارزه طبقاتی شده، و مدام رودروی توده ها ایستاده است. این حلقه مناسب ترین هدف ما در لحظه کنونیست. کسی که در لحظه کنونی این مناسب ترین حلقه را در سلسله زنجیره سرنگونی حاکمیت در دست داشته باشد، حلقه های دیگر را نیز در اختیار خواهد گرفت. بنا بر این شعار ما در لحظه کنونی "مرگ بر حزب جمهوری

حول شعار «مرگ بر حزب جمهوری»

اسلامی است. طرح این شعار در شرایط کنونی نه شماری زودرس و نه دارای - خصوصیتی رفرمیستی است. از یکسو تنها و تنها اکنون زمان طرح این شعار از هر سو فراهم است، زیرا این شعار اینک، شعار خودتوده‌هاست. از سوی دیگر طرح این شعار از جهات مختلف در شرایط کنونی نمیتوان شماری - رفرمیستی ارزیابی کرد. زیرا اولاً: - طرح این شعار بمعنای نفی، نفی کل حاکمیت نیست. امروز بر هر کس روشن است که حزب جمهوری اسلامی تنها میسر ابزارهای قدرت را در هیئت حاکمه به دست گرفته است. حزب قوای مقننه، اجرائیه و قضایی را در اختیار دارد. - حزب تمام پست‌های حساس را در دست خود گرفته است. حزب تمام ارگانهای مرکب را در اختیار دارد.

بنابراین با توجه به مجموع شرایط حاکم برجستگش اکنون با شعار «مرگ بر حزب جمهوری اسلامی» را مطرح کرد، تا کل حاکمیت را مورد سؤال قرار داد. - تاخیراً طرح این شعار صرفاً کافسی نیست.

امروز همه نیروهای اپوزیسیون اعم از نیروهای انقلابی و لیبرالهای ضد انقلابی شعار مرگ بر حزب جمهوری اسلامی را می‌دهند. پس همزمان با شعار «مرگ خود رسیده است که لیبرالهای رنگارنگ هر یک بنحوی فرم در رژیم موجود را طرح کرده اند. گروهی مسئله رفتن دولت را مطرح کرده اند و اخیراً «تیزبندی صدور شعار فراتر و مطلق‌تر نمود. اما این شعارهای رفرمیستی هدفی جز بهره‌آرایی تغییرات در برابر ایجاد نبال نمی‌کند. رژیم جمهوری اسلامی و نظام موجود را مورد سؤال قرار نمی‌دهد. رفرا اندوم بنی صدر چیزی در حد بهره‌آرایی تغییرات در برابر ایجاد کثرت برخی تفویضات در مواد قانون اساسی نیست. لیبرالها که از جنبش توده‌ای و خواستهای انقلابی توده‌ها وحشت دارند، می‌گویند که این خواست‌ها را در همین حد محدود نکنند. اما ما با طرح شعار مجلس مؤسسان در لحظه کنونی، - تاکتیکیهای آنها را نیز غنشی خواهیم کرد.

ما پیش از این گفتیم و امروز بر هر کسی که چشمی برای دیدن داشته باشد، روشن است که انبوهی از توده‌ها اعتقاد و اعتماد خود را نسبت به حکومت از دست داده اند. اکنون بی اعتباری دولت نزد توده‌ها یک واقعیت مسلم است. مجلس شورای اسلامی نیز که تاکنون یک گام عملی در جهت تصویب قوانینی که با زنا با اراده توده‌ها باشد برداشته بود، صرفاً «در - بحث‌های کمیگ خود ما به تفریح توده‌ها شده بود، اکنون با شرکت در محاکمه بنی صدر و عزل او با زهم بر بی اعتباری بیش افزوده می‌شود و همچنین است دستگاه قضایی که در راس آن شپادی بنام مبهشتی قرار گرفته است.

ما همچنین گفتیم که تفادهای درونی هیئت حاکمه ایجاد می‌سازد، سابقه‌ای یافته

است و نیز آگاهی که نیروهای انقلابی هنوز در پراکندگی و ضعف و فقدان پایه توده‌ای نیرومند نسبی می‌برند. ما همچنین آگاهیم که هنوز بخشهایی از توده‌های مردم که فاقد آگاهی و تشکل لازم هستند به لیبرالها بویژه بنی صدر چشم دوخته اند و خلاصه علیرغم اینکه بنحوی یعنی از طریق طرح شعار «مرگ بر...» طرح شعار سرنگونی حاکمیت در دستور قرار گرفته است بنا به دلایل مذکور و سطح مبارزات توده‌ها هنوز شرایط لازم برای طرح شعار سرنگونی قهرماً میسر و برقراری یک حکومت انقلابی فراهم نیا آمده است. پس با توجه به مجموع شرایط کدام تاکتیک را باید برگزید: با اعتقاد ما طرح شعار مجلس مؤسسان مناسبترین شکل لحظه کنونیست زیرا با طرح این شعار عملاً موجودیت رژیم را زیر علامت سؤال می‌بریم. در حالیکه هنوز با توجه به مرحله تکامل جنبش توده‌ای شعار سرنگونی قهرماً میسر آنرا طرح نکرده ایم. ما با اتخاذ این تاکتیک همچنین قادر خواهیم بود، عملاً لیبرالها را خلع سلاح کنیم، زیرا این بدان معناست که اکنون میتوان - در مقابل هرگونه شعاری که خواستار ایجاد فرم در نظام موجود باشد، قرار گرفت و همزمان با آن مشخص نمائیم که کدام ارگان‌های توده‌ای می‌توانند و باید مجلس مؤسسان واقعاً «دمکراتیک و انقلابی» را که در بزرگترین توده‌ها پدیدگان تمام می‌خلق باشد، تصمصیم کنند. ما با طرح تاکتیکیهای رفرمیستی لیبرالها را غنشی کنیم و تاکتیکی که در لحظه کنونی جنبش انقلابیست پیش کشیم و بر روی آن تبلیغ کنیم. شرایط امروز بنی مرحله ارتکاب خود رسیده است که لیبرالهای رنگارنگ هر یک بنحوی فرم در رژیم موجود را طرح کرده اند. گروهی مسئله رفتن دولت را مطرح کرده اند و اخیراً «تیزبندی صدور شعار فراتر و مطلق‌تر نمود. اما این شعارهای رفرمیستی هدفی جز بهره‌آرایی تغییرات در برابر ایجاد نبال نمی‌کند. رژیم جمهوری اسلامی و نظام موجود را مورد سؤال قرار نمی‌دهد. رفرا اندوم بنی صدر چیزی در حد بهره‌آرایی تغییرات در برابر ایجاد کثرت برخی تفویضات در مواد قانون اساسی نیست. لیبرالها که از جنبش توده‌ای و خواستهای انقلابی توده‌ها وحشت دارند، می‌گویند که این خواست‌ها را در همین حد محدود نکنند. اما ما با طرح شعار مجلس مؤسسان در لحظه کنونی، - تاکتیکیهای آنها را نیز غنشی خواهیم کرد.

بنابراین با توجه به شرایط واقعی جنبش انقلابی توده‌ها و با توجه با اینکه توده‌ها از طریق یک سلسله تجربیات به برقراری نظامی انقلابی می‌رسند، اکنون باید شعار مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی را مطرح کرد، اما باید در نظر داشت که مجلس مؤسسان نه بعنوان هدفی مستقل بلکه تاکتیکی انقلابی در لحظه کنونیست. تبلیغ این شعار بدان معنا

نیست که ما به مؤسسان بورژوازی دلخوش کنیم. ما بخوبی آگاهیم که مجلس مؤسسان از لحاظ تاریخی پدیده‌ای بورژوازیست و عمرها را فلما نتا ریسم، عمرنها ده‌های بورژوازی بسر آمده است. پس این اقدام از لحاظ تاریخی کهنه شده و متعلق به گذشته است. اما این بدان معنا نیست که بطور مشخص نیز کاربرد خود را از دست داده است. ما با توجه به سطح جنبش توده‌ای و تجربیات توده‌ها که با بدازیک سلسله تجربیات تا زه نیز بگذرد، این شعار را بطور مشخص در شرایط کنونی طرح می‌کنیم. اما با بددر نظر داشت چنانچه ما خود را محدود به این شعار نکنیم، در مرحله معینی و در سطح معینی از تکامل جنبش بورژوازی نیز مجلس مؤسسان را - می‌پذیرد و آنرا مکمل ابزارهای مرکب خود می‌کند. از اینجاست ضرورت طرح شعار شوراها، انقلابی و همزمان با آن تسلیح توده‌ای و تشکل میلیس توده‌ای، بدون طرح شعار شوراها، انقلابی مجلس مؤسسان هیچ معنایی نخواهد داشت. لازم برقراری این مجلس شوراها، انقلابی توده‌ای و سازماندهی تسلیح توده‌ایست و الا مجلس مؤسسان نه در خدمت انقلاب بلکه بعنوان مکمل ابزار مرکب بورژوازی (ارتش و بوروکراسی) عمل خواهد کرد. همچنین با بددر نظر داشت که مادریک دوران انقلابی و در شرایطی بسر می‌بریم که هرآن روز تحولات سریع ممکن است شرایطی را پیش آورد که بدون گذار از مجلس مؤسسان، به حکومت انقلابی توده‌ها بیجا مد، از همین روست که ما باید با توجه به چشم انداز واقع و خود - ویژگی شرایط کنونی در تدارک مقدمات اشکال گام انقلابی و بسیار عالی جنبش توده‌ای باشیم و در اساس خود را برای پاسخگویی به چنین شرایطی آماده کنیم. پس می‌بینیم که اگر در شرایط کنونی به خاطر سطح نازل آگاهی انقلابی و تشکل توده‌ها، توازن نیروهای طبقاتی، سطح واقعی جنبش توده‌ای، ذهنیت توده‌ها، نقش محدود شوراها، نقش لیبرالها و به ویژه بنی صدر، و میزان توهم توده‌ها به حاکمیت، بطرح این شعار می‌پردازیم. این شعار با بدبمنزله پلی برای تشکل توده‌ها و برقراری نظام انقلابی باشد. بدون توجه به شعار شوراها، انقلابی و تسلیح توده‌ای، این شعار رفرمیستی بیش نخواهد بود. شعار مجلس مؤسسان هنگامی تاکتیکی انقلابی است که همراه با گسترش شوراها، انقلابی و کانونهای دمکراتیک و توده‌ای باشد، و آن مجلسی دمکراتیک و حقیقتاً "انقلابی خواهد بود که متکی به شوراها، توده‌ای باشد. با یک چنین درکی است که ما از نیروهای انقلابی دعوت می‌کنیم حول این شعار متحد شوند و بمنظور ارائه راه‌حلهای عملی توده‌ای، یک پلان فرم اتحاد عمل که بیبا نگر خواستهای توده‌ها و مرحله انقلاب ما باشد را شده دهند، ما نیز بسهم خود در این راه خواهیم کوشید.

به همت توده‌ها آزادی مطبوعات تامین باید گردد؛ سیاست اختناق نابود باید گردد

قطع دست بخاطر ریگ

گیسه برنج و نصیحت و تادیب برای جهانگردان و استثماریگران

در اوایل خرداد بدستور حجت الاسلام- ایما نی حاکم شرع بهشهر دست راست هریز صیدا تلورا بطرف جیبی قطع کردند. جانان جا موراجرای حکم "حشری بدون اینکبه عزیز را ببهوش کنند و حتی دست او را بی هم کنند و با رجه را نکشت او را می برند. یکبار ربا سا طورا نکشتنش را روی میسز همزیند و وقتی عزیز روی زمین مبادست- مجدداً روی موزاشیک انگشتانش را قطع- می کنند. مردم بهشهر پس از اطلاع از این جنایت هولناک یکبار رجه در شهر اهیمانی کرده و علیه حاکم شرع و جنایتگران دیگر تظاهرات میکنند.

ما در برخورد به لایحه قصابان هندا رد ادبیم که نتیجه اجرای قانون قصابان زنده کردن- دوران بربریت و توحش قبیلله ایست! ما اعلام کردیم که نتیجه تصویب این لایحه صورت قانونی دادن به اعمال جنایت- آزاری است که تاکنون بصورت های نمونه- ای در کرمان و شهرهای دیگر انجام گردیده و با قانونی شدن لایحه قصابان روزی هادست بریده میشود، روزی هادها نفرستگسار میشود و روزی هادها نفر در ملا عام اعدام شده یا به تازیانه بسته خواهد شد. و باز هندا رد ادبیم که این قانون بهانه ای خواهد بود برای آنکه حاکمان جمهوری اسلامی مخالفین خود را به بهانه اجرای "حشری" تا بسود سازند. اینک نمونه بهشهر شاهدمتالیسی است بر آنچه ما پیش بینی کردیم. مطالعه معا حبه ای که خبرنگار رکبهان در ۱۹ خرداد با عزیز صیدا تلورا هم چنین حاکم شرع بهشهر بعمل آورده است بسیاری از حقایق را در اینبار ره روشن می کند

سردشت

روزها نزد هم خردا ددو فرزند میک عراقی در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر روستا های تهر بیت و مردان و بیژوی در منطقه آن را بهراکت و کالبر هفتادوپنج بستند که در این بمبارانها در روستای تی بست یک نفر کشته و یک نفر زخمی شد در روستای بردان نیز یک تن زخمی شد. حملات رژیم عراق به روستا های کردستان ایران، با همت سرکوبگران و ضد انقلابی رژیم باعث و آشکارا ترشمنی شما شد.

(نقل از سومین شماره خبرنامه یگان)

معا حبه دارای آنچنان ننگاتی است که هر کدام میتوانند مضمون مقاله ای جداگانه در تا شید ما هیت ضد مردمی رژیم باشد. ولی ما تنها بدو ننگه آن بر خورد می کنیم تا واقعیت سردمداران رژیم جمهوری سلامی بیش از پیش بر هموطنان مبارز ما روشن شود.

از معا حبه بر می آید که سه جوان عیال- وار در اشرایستیمال و فقر شدید برای اولین بار میادرت به سرقت یک گیسو برنج ۹۰ - قوطی روغن نباتی و یک گیسو پسته و در رختشویی میکنند که شایه قیمت مجموع آن به هزار تومان نرسد. پس از دستگیری آنان همه اموال را تا دینار آخر تحویل دادند و اظهار ندامت میکنند. مدت دو ماه و پنج روز هم در زندان می ماندند و پس از آن توسط با زهرین ها دستگیری با قرار آزاد می شوند. ۲۵ روز بعد از آزادی آنها در گلو- گاه بهین پاسداران و مردم درگیری به وجود می آید و سه روز پس از آن عزیز صیدانلو در رابطه با این درگیری توسط پاسداران بازداشت میشود. دادگاه انقلاب کسه اصولاً ما مور رسیدگی به پرونده سرقت برنج تبوده است سه روز بعد عزیز را با تمام سرقت به قطع چهار انگشت دست راست محکوم میکنند در حالی که دو نفر دیگر که هم جرم او بودند حتی بدادگاه انقلاب افسار هم نمی شوند. با این ترتیب کمالاً روشن است که مسئله سرقت یک گیسو برنج چند قوطی روغن نباتی تنها بهانه ای بوده و حاکم شرع بخاطر گرفتن زهر چشم از هر آنکس که با جمهوری سلامی مخالفت کند عزیز را محکوم به قطع انگشتان دست نموده و حکم را به طرف جیبی در باره او اجرا میکند.

با دعای خودش بخاطر یک گیسو برنج چند قوطی روغن نباتی انگشتان دست یک

جوان زابا قسوت و سنگدلی قطع میکنند و او را برای همیشه از جامعه طرد و زندگیش را از او زن و بچه اش سلب می کنند. عمل جها نخواه آن امیر با لیس و استثماریگران زالوصفت را که میلیاردها تومان دسترنج مردم زحمتکش ما را غارت میکنند، دزدی- نمیدانند. این حاکم شرع در مقابل شوال خبرنگار که می پرسد: "با دزدان بزرگسای ما نندا مریکا چه با بد کرد... آیا اینها سارق به حساب نمی آیند، دستشان نباید قطع شود؟" میگوید: "خیر اینها سارق به حساب نمی آیند" و بطور ضمنی میگوید اگر آنها کار خلافی کرده باشند و ما دستمان به آنها برسد آنها را تادیب می کنیم.

با این ترتیب می بینیم همین حاکم شرع که دزدان بزرگسای امیر با لیس و استثماریگران را تطهیر کرده و آنها را سارق نمیداند، بلکه در دفاع از سرمایه داران و مالکین سینه چاک میدهد و قشکیه میگوید: "قطع بدیگنفر جلوه هزاران سرقت را میگیرد... یعنی دزدیها از بس می رود و امنیت از نظر مالی برقرار میشود" و گفتنی است که مضمون این سخنان را آیت الله بهشتی در دفاع از لایحه قصابان و در دفاع از تقدیس مالکیت تکرار میکند!

این اعمال و این سخنان نما یا نگر آنست که سردمداران جمهوری سلامی برای امنیت سرما به کسانی را که حتی برای موار معاش و برای جلوگیری از مرگ ناشی از گرسنگی یک گیسو برنج سرقت میکنند مستحق مجازات دانسته و دستشان را قطع کرده و از زندگی با قاطع میکنند. اینست بهشتی که آیت الله خمینی و دیگر سران جمهوری سلامی به مردم ایران وعده داده اند و اینست آن "عدالت اسلامی" که آنها میخواستند در گورستان "امنیت مالی و سرمایه" برقرار کنند!

یاد شهدای تیرماه

بقیه از صفحه ۲۰

- * محمد علی خسروی اردبیلی
- * نزهت السادات روحی آهنگران
- * محمد عظیمی بلوریان
- * کاظم سلاحی * مارتیک قازاریان
- * یدالله زارع کاربزی * سیمین توکلی
- * نادره احمد هاشمی * مریم شاهی
- * بهزاد امیری دوان * حمید اشرف
- * افسر السادات حسینی * حمید آرین
- * حمید ژبان کرمانی * نادعلی پورنغمه
- * پرویز حقگو غلامرضا جلالی
- * اسماعیل نریمسا

- * محمد مهدی فوقانی
- * عسگر حسینی ابرده
- * فاطمه حسینی
- * طاهره خرم
- ساواک در آمدند و پس از نبرد قهرمانانه در محله مهرآباد جنوبی، به شهادت رسیدند. تیرماه، علاوه بر این شهدا، نامویاد فدائیان دیگری را نیز برپیشانی دارد که در سالهای مختلف در این ماه به شهادت رسیده اند. رفقا.
- * احمد خرم آبادی * نسترن آل آقا
- * کاظم غبرائی * گلرخ مهدوی

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

مبارزه پیروزمند کارگران کارخانه سرامیک البرز

بدنبال عدم اجراء قول مدیر عامل در مورد افزایش دستمزد کارگران به میزان ۴۰ تومان، کارگران در یک مجمع عمومی خواستار حضور هیئت مدیره و رسیدگی به خواسته‌هایشان شدند. کارگران خواسته‌های خود را در صورت عدم پرداخت ۴۰ تومان اضافه دستمزد در ماه تنظیم و به شرح زیر در مجمع عمومی مطرح کردند:

- ۱- دادن اضافه کار مقطوع و ثابت و زیاده کردن حق مسکن در حد کارخانه‌های دیگر شهر صنعتی البرز
- ۲- افزایش وام کارگران
- ۳- ۱۵٪ زوجه‌های جنبش و تولید در اختیار کارگران قرار گیرد.
- ۴- حقوق کارگران کارخانه برابر حقوق کارگران کارخانه‌های مشابه، مثل کاشی سدی، کاشی اصفهان، کاشی نیلو، کاشی پارس و... گردد.
- ۵- حقوق کارگران جدید جهت آزمایش افزایش یابد.
- ۶- هزینه معاش و زندگی کارگران تامین شود.
- ۷- مسئولیت هیئت مدیره مشخص شود و فقط امضاء کننده نیابد.
- ۸- یک نفر از کارگران به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب و در جلسات هیئت مدیره شرکت کند.
- ۹- در صورت مخالفت با خواسته‌های خود هیئت مدیره استعفاء دهد تا کارخانه با نظام شورائی اداره گردد.
- هیئت مدیره ابتدا خواست با وعده و

جنبش کارگری



و عید کارگران را بفریبند، سپس گفت ما اجازه موافقت با این خواسته‌ها را نداریم کارگران، هیئت مدیره را کورگان گرفته و شب در کارخانه نگه‌داشته‌اند. رژیم جمهوری اسلامی پاسداران را به حمایت از هیئت مدیره به کارخانه فرستاد. در مقابل سبب اعتراضات کارگران، پاسداران مجبور شدند کارخانه را ترک کنند. بعد از ظهر روز بعد جلسه‌ای با حضور هیئت مدیره، رئیس سباه پاسداران تشکیل شد. در این جلسه با ۴ خواست اول کارگران موافقت شد. در رابطه با شرکت نماینده کارگران - در جلسات هیئت مدیره قرار شد در جلسه مجمع عمومی هیئت مدیره مطرح گردد. بقیه خواسته‌ها موقوف به تعیین تکلیف انظار است. مبارزه پیگیرانه کارگران سرامیک نشان داد که توسل به فریب و سرکوب قادر نیست کارگران را از مبارزه بازدارد. اما در مورد شرکت نماینده کارگران در هیئت مدیره، کارگران سرامیک با سبب توجه داشته‌اند، همچنان که قبلاً نیز توضیح دادیم نماینده کارگران نه به عنوان عضو هیئت مدیره، بلکه بعنوان نماینده کارگران، بر کار مدیریت کنترل و نظارت باید داشته باشد.

اعتصاب کارگران ارج، جلوه‌ای از مبارزه جویی و همبستگی کارگران

گردانند. روز دوشنبه (۲۵) مدیریت است دو باره در اطلاعیه دیگری خواهان بازپرداخت ۳۶۰۰ تومان گشت. اعتصاب تمام کارخانه را فرا گرفت. کارگران مدیر را بگورگان گرفتند. پاسداران به کارخانه هجوم آوردند. آنها با حمله بطرف کارگران تلاش می‌کردند مدیر را از جنگ کارگران در آورند اما تا کام شدند تا اعتصاب روز سه شنبه ادامه یافت و کارگران در یک مجمع عمومی با افشای نمایندگان سازشکاران شورائی آنها را وادار به استعفا نمودند. اعتصاب تا ظهر چهارشنبه ادامه یافت کارگران تصمیم گرفتند که از روز سه شنبه جلوه‌خروج تولید را بگیرند و نمایندگان خود را انتخاب کنند. کارگران مبارزان در این مبارزه جهت تامین خواسته‌های خود هر چه بیشتر

کارگران ارج که در پی مبارزات طولانی موفق شده بودند سود ویژه و عیدی و پاداش سال ۵۹ را بگیرند جدیداً "مدیر عامل طی بخشنامه‌ای خواست است که "افزایه پرداخت پاداش و عیدی سال ۵۹" را از دستمزد ما‌ها نه کارگران کم کنند. کارگران پس از دوبار اعتصاب مصمم‌اند جلوه‌خروج تولید را بگیرند. روز چهارشنبه در پی اطلاعیه مدیریت و حمایت شورائی سازشکاران اعتراض با لا گرفت. کارگران قسمت موتا ژو پرسی دست به اعتصاب زدند و در پی آن اعتصاب تمام کارخانه را فرا گرفت. در مجمع عمومی که با شرکت کارگران تشکیل شد مدیریت و اعضای سازشکاران را فریب کارگران را به سرکار باز

اجتماع کارگران پی‌ساخت در مقابل مجلس برای دریافت حقوق عقب مانده خود

حدود ۱۵۰ تن از کارگران شرکت پی‌ساخت در مقابل مجلس اجتماع کرده و خواستار حقوق عقب مانده خویش بودند. در پی جنگ ارتجاعی و تا عادلانه‌ای دولتهای فذخلقی ایران و عراق شرکت ساختن پی‌ساخت در خرمشهر، همسایگان ما بر مراکز صنعتی و تعطیل شد. اشتغال مناطق جنگ زده، تعطیل شد و پیش از چهارصد تن از کارگران آن علاوه بر خانه خرابی و در برهه‌ری، بیگانه‌تر شدند. کارگران به منظور روشن شدن وضع موجود و همچنین دریافت حقوق دست به اقدام زده، در وهله اول نمایندگان سازمان خود انتخاب کردند و بدنبال آن نمایندگان در جهت پیگیری خواسته‌های کارگران به تمام ادارات و مسئولان ذیربط مراجعه کردند اما نتوانستند بعد از ماهها دوندگی یکماه از حقوق عقب افتاده کارگران را بگیرند. کارگران که به توجیه به گران‌ترین بخش از دو کمر شکست ما بختا چزندگی، در مضیقه قرار گرفتند بودند به طور دسته جمعی اقدام کرده و برای گرفتن حقوق خود تصمیم تکلیف اساسی از روز بیست و چهارم خرداد به تهران آمده در مقابل مجلس اجتماع کردند. یکی از کارگران در باره خواسته‌ها - بشان و عکس العمل مسئولان می‌گفت "ما چهارم در فرهم بیشتریم، از اول جنگ تعمیلی بیگانه شدیم. فقط حقوق برج‌ماه شهر بوربه ما دادند و بقیه اش هیچی. ما لا هم آدمیم اینجا می‌گویند حقوق های عقب افتاده ما را می‌دهند اما به یک شرط! این شرط که تسویه حساب کنیم، یعنی ۹ ماه حقوق را بگیریم و برویم بی کارمان اما ما قبول نمی‌کنیم. ما هم ۹ ماه حقوق - عقب افتاده را می‌خواهیم و هم اینکه به عنوان کارگر شرکت حساب شویم و همچنان ما می‌دو هزار تومان به ما بدهند، و کار هم حاضریم بکنیم". کارگران ضمن مخالفت شدید به پیشنهادات دولت تصمیم دارند، تا گرفتن نتیجه‌ای قطعی، هر روز در مقابل مجلس اجتماع کنند.

به ضرورت تشکیل پی‌ساخت اتحاد و همبستگی میان کارگران گسترش می‌یابد. آنها با یکدیگر ره‌بانی مان، پیگیر و متحدانه را جهت تشکیل شورای انقلابی به پیش برند. کارگران ارج قادر خواهند بود نیروی پراکنده و متفرق خود را در شورای انقلابی متبکز کنند و نیروی در مبارزه جهت تامین حقوق واقعی خویش را تضمین نمایند.

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

اخباری از شرکت واحد

کارگران تعمیرگاه ۲ شرکت واحد با اتحاد یکپارچه خود توطئه اخراج نماینده شورا را خنثی کردند.

روز یکشنبه ۳/۳ از طرف زرین زلف، رئیس هیئت مدیره و گرداننده اصلی انجمن اسلامی حکم اخراج یکی از نمایندگان شورا صادر شد. کارگران با بعضی شنیدن این خبر دست از کار کشیده و خواستار تشکیل جلسه ای برای روشن شدن علت اخراج نماینده شورا شدند. در جلسه زرین زلف اظهار - داشت بمن گزارش داده شده که او کمونیست است. کارگران گفتند اولاً بر طبق ماده ۱۲ قانون اساسی هر نوع تفتیش عقاید ممنوع است - ثانیاً گزارش دهندگان را باید معرفی کنید. شما حق ندارید کسی را با خط - عقیده اش بیرون کنید. در این موقع موج اعتراض کارگران به زرین زلف بالا - گرفت. صحبتها و مناظره اخراجی شورا با استقبال شدید کارگران رو به روی شد یکی از نمایندگان شورا ضمن صحبت های پیش گفت "ما دیگر هرگز بدوران اختناق قانقنا هشا هی با ز نمیگردیم. شورا سوگند با دکرده که از اخراج زندان و حتی عدم تسرد حد هاهزار کشته و معلول بخاطر این بود که دیگر نترسیم و اجازه ندهیم اختناق و عقابن برجامه حاکم شود. او گفت شورا یک نهاد انقلابی است و هیچکس حق ندارد با آن مخالفت کند. شورا تبلور - اتحاد و یکپارچگی کارگران است. مثلاً کارگران اگر خود من را نخواهند، مرا برگزینند و کسی دیگر بجای من انتخاب خواهد شد. بنا بر گزارش چند نفر مدت هیم مقامی حق ندارد نماینده شورا را اخراج کند. کارگران با کف زدن صحبت های نماینده را تا شاید می کنند. زرین زلف که اوضاع را مناسب دید تصمیم به فرار گرفت ولی کارگران مانع فرار او شدند. بالاخره او که راه به جاش نداشت گفت اگر چند نفر کارگر قدیمی شاهدت بدهند که او کمونیست نیست او را به سرکار میگردانم. در این موقع کلیه کارگران - قدیمی دستشان را بلند کردند. به این ترتیب توطئه زرین زلف این کارگران - سرما به داران در مقابل اتحاد کارگران نقش بر آب شد.

دوستان کارگر، دولت بجای حیل مشکلات کارگران و پیا سخکوشی به خواست های آنها با اقدامات ضد کارگری خود به - مقابل با آنها برخاسته. در حال حاضر در کارخانه ها برای سرکوبی مبارزات بسر حق کارگران و ایجاد اختناق و عقابن و در نتیجه محیط امنی که سرما به داران - براحته بتوانند به غارت کارگران بپردازند، دست به اخراج کارگران پیشرو و آگاه میزنند. در این زمینه انجمنهای اسلامی بعنوان جاسوسان حزب جمهوری اسلامی عمل می کنند و با شناسایی کارگران پیشرو و آگاه و اخراج آنها میخواهند جلوی مبارزات

خواستههای کارگران شرکت واحد... نقش شورا و انجمن اسلامی

از بهره وری کارمندان کسر نشود ۱۲ - تشکیل کمیسیون فوق العاده فنی برای - کارگرانیکه متیلازم برای ارتقاء - ندارند. ۱۳ - جلوگیری از اخراج چینی رویه کارگران.

بعد از قرائت خواستههای کارگران - رئیس تعمیرگاه گفت: "سعی می کنیم مشکلات و مسائل شما را با همکاران شورا و انجمن اسلامی حل کنیم". بدین ترتیب او که در مقابل قدرت متحد کارگران مجبور به عقب نشینی است، میگوید انجمن اسلامی را که به علت مجموعه عملکردها یا رتجایی، ضدموکار تیک، وضد کارگریش مورد تنفر کارگران است، بعنوان یک ارگان رسمی معرفی کرده و کارگران را بدان جلب - نماید. اما کارگران یکپارچه به رئیس تعمیرگاه اعتراض کردند. آنها که با توجه به عملکرد انجمن اسلامی از زمان تشکیل آن به ما هیت ضد کارگری آن پی برده اند می گفتند: "فقط شورا حق دارد در کارما دخالت کند ما شورا را خودمان انتخاب - کرده ایم ولی شما انجمن اسلامی بر طبق چروالی انتخاب شده. انجمن اسلامی فقط باید به مسائل مذهبی کارگران بسه پردازد. کارگران به صحبت های شما پند، انجمن اسلامی که میخواست با صحبت های همیشه خود، آنها را فریب داده و از - مبارزه در راه رسیدن به خواسته هایشان بازدارد، توجهی نکرده و جلسه را ترک کردند.

شورای تعمیرگاه شماره ۴ طی اطلاعیه - ای از هیئت مدیره و رئیس تعمیرگاه درخواست کرد که در روز ۱۲/۳/۶۰ ساعت ۲ بعد از ظهر در مجمع عمومی کارگران شرکت کیند و به مسائل و مشکلات کارگران پاسخ دهند. راس ساعت مقرر، کارگران در آنها رخوری جمع میشوند. هیئت مدیره از شرکت در مجمع خودداری میکند. تا آمدن رئیس تعمیرگاه، کارگران و نماینده شورا در مورد مسائل و مشکلات محبت میکنند سپس خواستههای کارگران در ۱۳ ماده تنظیم میشود.

۱- رسمی شدن کارگران جدید - ۲- بسر چیده شدن بساط تفتیش عقاید - ۳- از دستزد کارگران جلوگیری نمایا به مالیات کسر شود - ۴- تشکیل کمیسیون فنی برای ۱۵ متیلازها و بزدا شدن شرط سرپرستی و استادکار ریبرای آنها - ۵ - دادن کمک مالی به فروشگاهها و تعاونی برای لابردن قدرت خرید فروشگاهها. تعاونی - ۶ - ایجاد محیط سالم و بهداشتی در تعمیرگاه - ۷ - پرداخت ۶۲ روز عیدی، دادن ۲۴ انساب ما بون در هر ماه، دادن یک شیر روزانه به هر نفر مطابق پیمان دسته جمعی - ۸ - پرداخت دستزد کارگران در پیا در پیا نهمه - ۹ - دادن کمک مالی به کارگرانی که در خرگوش دره زمین گرفته اند و به علت عدم وسع مالی ساختمانها نینتیه تمام مانده - ۱۰ - دادن حقوق و مزایای مساوی بسه رانندگان تعمیرگاه مطابق با خطوط - ۱۱-

مبارزات کارگران در مقابل با تعطیل مجتمع صنایع فولاد

این تصمیم ضد کارگری رژیم که چیزی جز ادا مه سیاستهای یقینیش نبود، کارکنان مجتمع تصمیم به مقابل با این سیاستها - را گرفته و طی گردمانیها و راهپیمایی های درون و حد اعمال حاکمیت را محکوم نموده و نماینده گانی برای دفاع از حقوق خود انتخاب - کردند. این نمایندگان طی نشست های متوالی، اطلاعیه ای صادر کرده و خواسته های خود را مبنی بر جلوگیری از تعطیل شدن مجتمع، ممانعت از هرگونه کاهش حقوق و دستزد کارکنان، نظارت و مشا رکت نمایندگان در طرحها و برنامهای مجتمع را مطرح کردند و اعلام نمودند که مبارزات خود را تا رسیدن به خواسته های برحقشان ممتما نه ادا مه خواهد داد.

رژیم جمهوری اسلامی که همواره از رشد مبارزات توده هاهراس است، اخیراً - مجتمع صنایع فولاد را به تعطیلی کشاند و در پی آنکوشید تا با ایجاد تفرقه در بین کارگران از تشکل آنها جلوگیری کرده و جلوی رشد مبارزات آنها را سد نماید. شاخه سا زمان در خوزستان که از ابتدا بسوسیه علامیه ها و تراکتها ی خود کارگران را از این توطئه شوم رژیم آگاه کرده بود، طی اعلامیه ای بتاریخ زده خردا دممن افشای اطلاعیه سولویا نی رئیس مزدور - مجتمع صنایع فولاد که هدفی جز ایجاد دپراکتگی در بین کارگران نداشت از کارگران - مبارز خواست تا مبارزه پیکر علیه مفاد اطلاعیه مذکور با تشکل خود، توطئه های رژیم جمهوری اسلامی را خنثی کنند. در پی

راه کارگران آگاه و شورا های مترقی باید مبارزات کارگران را در کانال صحیح انداخته و رهبری کنند.

کارگران را سد کنند. کارگران نیز باید با اتحاد و همبستگی خود به مقابل با این اقدامات ضد کارگری برخیزند. در این

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



از اجلاس هیئت کارگران و شتاب

کارگران پیشرو

نقل از پیشتاز، نشریه کارگران

پیشرو صنعت نفت

پیرامون هشتمین اجلاس هیئت سراسری شوراهای صنعت نفت، پنجم و ششماره دی بهشت در شیراز

در هشتمین جلسه سراسری شوراهای صنعت نفت که در شیراز برگزار میگردد بد شورای عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای متحد پالایشگاه تهران، شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان، شورای عملیات پالایشگاه شیراز، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای کارکنان امور بازرگانی شورای خدمات کامپیوتر حضور داشتند. همزمان با تشکیل این جلسات در پالایشگاه شیراز، حرکت اعتراضی کارکنان پیروسان این پالایشگاه نیز در شرف شکلگیری بود، این حرکت با صدور قطعنامه ای پس از تحمیل کارگران - پالایشگاه نفت، اما نمایندگان شورای عملیات پالایشگاه تهران، نمایندگان تشریح و نمایندگان خدمات کامپیوتر - بعنوان اعتراض به حرکت کارکنان پیروسان شیراز و حضور و نفوذ نمایندگان آنها در جلسه سراسری برای توضیح و روشن نمودن زوایای این حرکت جلسه را ترک نمودند. این حرکت از جانب نمایندگان شیراز اصفهان و امور بازرگانی مورد انتقاد قرار گرفت و در اجلاس فوق العاده ای پس شورانیز این تقیمه بر طرف گردید. از نظر ما نیز این حرکت نمایندگان تهران و تشریح و کامپیوتر غیرا مولی رزیا بسی میشود از نظر ما این حرکت منطبق با منافع کارکنان صنعت نفت نبود و در آن ملاحظات تنگ نظرانه افرادی عمل کرده است که ضرورت یکپارچگی و وحدت طبقه کارگر ایران را در شرایط فعلی احساس نمیکند و مقدم بر آن ضرورت وحدت و یکپارچگی کارگران صنعتی به ویژه صنعت نفت را - فراموش نموده و از افقهای منافع و اغراض شخصی و غیره می نمایند. آنها اولاً به این اهمیت نمیدهند که تصمیم به اعتراض در پالایشگاه شیراز مورد قبول و تأیید اکثریت قریب به اتفاق کارکنان یک

بخش قرار گرفته و مورد پشتیبانی دیگران نیز هست. آنها به این مسئله توجه ندارند که زمینه های مناسب برای شکل گیری یک حرکت اعتراضی جدا از تمام پلاتو ذهنیات آنها، بطور عینی و ما در جا مع فرا هم شده و آنها چه بخواهند و چه نخواهند خارج از اراده آنها این اعتراضات شکل گرفته و در جریان است. آنها نمی فهمند که این حرکات نه تنها در پالایشگاه شیراز بلکه در سطحها مع به مورگوناگون وجود دارد. امروز اگر کارکنان پالایشگاه شیراز - مسئله مسکن را بعنوان یک مشکل مطرح میکنند، این مشکل آنها به تنهایی نیست بلکه مشکل صدها هزار کارگر و زحمتکش دیگری است که در اطراف مین مسکن پراکنده اند و از این محیبت رنج می برند. (نمایندگان تهران نمایان ۲/۵ - با عتده در پالایشگاه تهران بغا طرمسکن را فراموش کرده باشند) همینطور اگر تعدیل حقوق، باکسای، انحلال اداره - بازرسی، مرخصی، بهداشت و درمان و حقوق شوراهای مورد مطالبه قرار میگیرد، اینها باخته و پرداخته ذهن مشتاقان ما چرا جو نیست که مورد تأیید اکثریت کارکنان هم قرار میگیرد. اینها واقعیت های ناشی از اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه ما است. وقتی گزافی، بیگاری، تورم، بی خانمانی و... به عینه وجود دارد و از برای آن هم نمی توان فرار کرد، با برآن چشم بست، وقتی که مردم ما از این مسائل رنج می برند و به انواع مختلف واکنش نشان میدهند، وقتی به سرعت با یکا توده ای رژیم به خاطر بسیاری از این مشکلات که عموماً بسی جواب مانده در برابر چشم ما تضعیف میشود، وقتی حتی سببرالها و فدا انقلاب شکست خورده نیز میگویند با استفاده از این تا بسامانی با وعده و وعید راهی در دل توده ها بجوبیند. با زهد دعوت کردن توده ها به مبارزه، به تحمل این معائب، به بی تحرکی و بی عملی هیچ معنای دیگری به جز تسلیم در برابر بیوزاری، و تا مین فرصت برای فدا انقلاب تا بتواند با قدرت به سرکوب خلق بپردازد نخواهد بود. وقتی کارکنان جلوشم خود می بینند که کمیته باکسای عناصرا انقلابی راه و قرار داده و فدا انقلاب شناخته شده راهها میسازد و فدا ای اعتراضشان را علیه این خیانت آشکارا بلند میکنند، مخالفت با آنها، موافقت با خائنین و قرار گرفتن در کنار دشمنان طبقه کارگر است. از این روما اعتقاد داریم که تصمیم به شورای مذکور به ترک جلسه به عنوان اعتراض غیر اصولی بوده و از نظر کارگران پیشرو - صنعت نفت محکوم است. کسانیکه در حرف شعار وحدت شوراهای سراسری صنعت نفت و تشکیل اتحادیه شوراهای سراسری را می دهند، و در عمل خود به حرکات انحلال طلبانه و تفرقه افکنانه دست میزنند، عناصرا ما ذقی نیستند که بتوانند هدف درست و اصولی اتحادیه شوراهای را تعقیب نموده و عملی سازند. کارکنان پیروسان پالایشگاه تهران که خود مدتها ست از تنگ نظری و گروگروگرافی های شورای تخمیرات - این پالایشگاه که مانع تحقق شورای مرکزی تهران شده رنج می برند، حق دارند

و لازم است بر اساس این تجربه تلخ از نمایندگان شورای خود به خاطر این خود سری و حرکات نادرست توضیح بخواهند و آنها موظف هستند در یک مجمع عمومی به خطای خود اعتراف نموده و عملاً تعهد خود را در تا مین وحدت کارگران صنعت نفت از طریق شوراهای سراسری به اثبات رسانند.

شوراهای صنعت نفت

خواسته های کارمندان پالایشگاه شیراز را مورد حمایت و تأیید قرار داد. جلسه فوق العاده سراسری شوراهای صنعت نفت، در اطلاعیه مورخ ۶۰/۲/۱۹ - خواسته های شورای کارمندان پالایشگاه شیراز را اصولی دانسته و مورد تأیید و پشتیبانی قرار داد. لازم به توضیح است نمایندگان زبا پالایشگاه تهران که زمان شکل گیری حرکت اعتراضی در شیراز به سر (۶۰/۲/۵) می بردند، حرکت کارکنان آنها را مورد تأیید قرار نمی دادند. بنا بر این اجلاس سراسری شوراهای صنعت نفت این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و نمایندگان تهران گزارش خود را درباره مسائل که در شیراز گذشته بوده مجمع دادند، نمایندگان شوراهای دیگر نیز مطالبی عنوان کردند، نتیجتاً خواسته های کارکنان پالایشگاه شیراز تأیید شد در صورت جلسه در این باره تأکید میکند که:

- از کلیه خواسته های مولی کارکنان پالایشگاه شیراز (مورخ ۶۰/۲/۱۲) که خواسته های ما شوراهای زیر بنی می باشد حمایت میشود. در ضمن کمیته مشترکی از شوراهای سراسری برای پیگیری و اعلام نتیجه مطالب مندرج در صورت جلسه تشکیل شد.

در این گردهمایی شوراهای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان، شورای اداره بازرگانی تهران، شورای اداره کامپیوتر تهران شرکت داشتند.

نوع جدید مخالفت

در نمايش مضحك بحث آزاد در باره لایحه فقه بشری قما ص دادیم که یکی از ما حب نظران به عنوان مخالفت با لایحه در بحث شرکت کرد. اما معلوم شد مخالفت وی برای این پایه است که این لایحه اساساً "نیا زی به تصویب مجلس ندارد - زیرا تصویب شده الهی است!!" دز جلسه بحث پیرامون زمینیه چینی برای عزل بنی صدر - آیت نماینده مجلس به عنوان مخالفت با لایحه "عدم کفایت بنی صدر" ثبت نام کرد و در مقابل تعجب دوستان و منجمله رئیس مجلس گفت این لایحه نیا زی به تصویب ندارد یعنی است!!

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

بررسی و تحلیل ملی از جنبش کارگری در سال گذشته

(۴)

ما در شماره های گذشته "کار" جنبش طبقه کارگر ایران را در یکسال گذشته بطور اجمالی بررسی نمودیم. اکنون می‌کشیم به برخی از جنبه های این جنبش پرداخته و آنرا دقیقتر مورد ارزیابی قرار دهیم.

الف: فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر

هر چند بررسی عمومی جنبش کارگری در کلیت خوبش مبارزات فزاینده پرولتاریای ایران را نشان میدهد، اما بدون شک بخشهایی از طبقه کارگر در این دوره از تحرک مبارزاتی بیشتری نسبت به سایر بخشها برخوردار بوده است. در یک بازنگاری میتوان گفت که تحولات سیاسی اقتصادی با اجتماعی سهمناک شیربازی در مبارزات طبقه کارگر دارد. از جمله در مقاطعی نظیر سفارت و جنگ... میتوان این تاثير را دریافت و با تمییز و حرکت نیروهای طبقه مشاهده کرد. در دوره گذشته وقوع جنگ نا عادلانه بین دولتهای ایران و عراق بیشترین تاثير را بر مبارزات کارگران بجای گذاشت. از سویی افت سنگین اما کوتاه مدتی بر حرکت کل طبقه کارگر بوجود آورده و از تحرک مبارزاتی کارگران بشدت کاست. و از سوی دیگر از کار افتادن بخش عمده ای از صنایع کشور در منطقه جنوب که یکسایز قطبهای مهم صنعتی است، بر حرکت بخشی از طبقه کارگر میهنمانا اثرات مهمی بجای گذاشت. بدین ترتیب که حرکت مبارزاتی پرولتاریای جنوب که از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار است، ابتدا افت نموده سپس همراه با خیل زحمتکشان آواره مناطق جنگی عمدتاً برای تحقق آنها داشت، مسکن و نان برای آوارگان "تغییر سمت داد".

همچنین وجود بحران شدید اقتصادی که به درهم ریختگی صنایع کشور منجر شده، روند تولید را در بخشهایی از صنایع به دلیل کمبود مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت و... غیره که خود نتیجه ساخت وابستگی صنایع ایران است، متوقف و یا بشدت کاهش داده است. در بخشی از صنایع دولتی توقف و یا کاهش تولید بیش از سایر بخشها وجود داشته است. این امر علاوه بر وجود ارتش عظیم ذخیره صنعتی یا خیل بیگاران از منقذ ما ندن پروژه های صنعتی، اجتماعی، کشاکش و صنعتها و... غیره میباشد، خطر بیگاری را

در این بخش از صنایع بسیار محتمل مینماید. به همین دلیل ترس دائمی از دست دادن کار و مواجه با فقر و گرسنگی عامل با زارنده ای در تحرک مبارزاتی این بخش از کارگران محسوب میگردد. چنین وضعی را میتوان در قسمتهای از صنایع ماشین سازی از جمله در کارخانجات جنرال موتورز، گروه صنعتی سایپا، بنزخا و... مشاهده کرد.

بعکس در بخشهایی از صنایع دولتی که نقش حیاتی و استراتژیک دارا هستند دولت در برابر مبارزات کارگران خیلی سربعتر از صنایع دیگر عقب نشینی داشته است. این امر را میتوان در نفت، صنایع دفاع و یا بقیه دید. بدین ترتیب دولت سعی داشته بوسیله امتیازات و انجام رفرمهای سطحی مانع تحرک مبارزاتی کارگران این بخش و اعتلا مبارزاتشان گردد.

در بخش صنایع خصوصی بحجرات میتوان گفت که در مدت تولید بدلیل وجود تقاضا برای کالاهای این بخش و بازار فروش یا در سطح گذشته باقی مانده و یا حتی سیرافزایش یافته داشته است. در این رابطه کارگران این بخش از تحرک مبارزاتی بالاتری برخوردار بوده اند. لیکن سودهایی بالای این بخش عصب نشینی سرمایه داران را در برابر مبارزات کارگران سبب گشته است. از جمله در کارخانجاتی چون فیلیور، بوتسکان، پلاستی ران، درخشان، سیما، مهران، پرستیت و... غیره این وضع مشاهده میشود.

علاوه بر این عوامل عینسی، فاکتورهای ذهنی نیز مشخصاً در مبارزات کارگران نقش داشته اند. از جمله میزان تجربه مبارزاتی، سن مبارزاتی، سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی و نیز سطح تشکل کارگران، حضور یا عدم حضور پیشروان و جریانهای سیاسی نقش موثری در مبارزات کارگران بعهده دارد. در درون کارخانجات مختلف میتوان تاثير این عوامل را در اشکال مبارزات، پیگیری بودن، وجود تشکل و... غیره بخوبی مشاهده نمود. اما از این زاویه بررسی مبارزات طبقه کارگر ایران تکامل ناموزون مبارزات طبقه کارگر را در مناطق گوناگون صنعتی

کشور نیز مشخص میباشد. بدین ترتیب در هر یک از مناطق صنعتی بنا به قدمت وجود کارخانجات در آنجا، تعداد کارگران و رابطه نزدیکی آنها با روستا و تاثير آن در ذهنیتشان، جوان و یا قدیمی بودن از لحاظ میزان تجربه مبارزاتی، نوع تولید و تکنولوژی بکار گرفته شده و... غیره مبارزات کارگران از پتانسیل و توانمندی متفاوتی برخوردار است. مثلاً بطور عامی مبارزات کارگران در مناطق جنوب کشور چون آبادان و اهواز و سپس در تهران، شیراز و تبریز فزاینده با بندهای برخوردار است که در پی آن مبارزات کارگران سا بر مناطق چون گیلان، قزوین و غیره قرار میگیرد.

ب: مضمون و اشکال مبارزات کارگران

یک بررسی کلی از جنبش کارگری مشخص میکند که طبقه کارگر دووجه از مبارزه یعنی مبارزه اقتصادی و مبارزه سیاسی را در دوره پیش تو ما "پیش برده است. و دقیقاً "این تلفیق و درهم آمیختن مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران نشانه قدرت و توانایی جنبش کارگری است. مبارزه همبستگی پرولتاریا برای بهبود شرایط کار رابطه کوشش بورژوازی حاکم برای انتقال اثرات بحران زمینق با بندهای اقتصادی برگرد به کارگران که بطور غیر مستقیم به کاهش دستمزدها و خاستهای فوری اقتصادی را در دستور مبارزات کارگران قرار میدهد. از سویی دیگر کوشش بورژوازی برای تثبیت کامل خویش و شکست قطعی انقلاب که بطور ناگزیری مستلزم محو نایب بودن دستاوردهای دمکراتیک قیام میباشد، مبارزهای سیاسی در زمینه خواستهای دمکراتیک را فراروی کارگران قرار داده است. بدین ترتیب در روند مبارزات کارگران خواستهای فوری از جمله خواستهای اقتصادی و مطالبات دمکراتیک در زمینه سیاسی میباشد. و این درحالیست که مبارزه سوسیالیستی در سطحی بسیار کم رنگ در میان کارگران جریان داشته است.

در اینجا نیز مضمون مبارزه کارگران تا شیربذیری فوق العاده ای از عوامل ذهنی پیش گفته دارد. چنانکه عملکرد این عوامل بطور مشخص نشان میدهد که مضمون سیاسی مبارزات کارگران در مناطقی چون جنوب و تبریز در یک دوره برجستگی خاصی برخوردار بوده است. در حالی که مثلاً در شهرک صنعتی قزوین بدلیل جدید بودن صنایع در آن منطقه، ارتباط قوی کارگران با روستا و... وجه غالب مبارزات کارگران را مبارزات اقتصادی تشکیل میدهد. البته این بدان مفهوم نیست که در اینجا مبارزه سیاسی جریان ندارد، چرا که در شرایط طبقه در صفحه ۹

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



بررسی و تحلیلی از ...

بقیه از صفحه ۸

با زار فروش دارند، از سوی کارگران بکار گرفته شده که موفقیت آنهم علاوه بر سطح شکل و آگاهی میزبان و مقاومت و ایستادگی خود مربوط به همین مراسم است. اما بدون شک اشکالی را که کارگران در مبارزاتشان بکار میگیرند خود در پیوند رگانه با سطح آگاهی و شکل سنن و تجربه مبارزاتی و ... قرار دارد. بدین ترتیب است که مثلا در مبارزات نفت ایران که نسبتا "برخوردا ریاضی" از این عوامل دارد، در مبارزات نفتی متناوب با شرایط عمومی جامعه و تقاضای قوای طبقاتی و در نظر گرفتن ظرفیت عینی مبارزاتی توده کارگران اشکالی را انتخاب میکنند، که به نیروی مستجیده و ارتقاء مبارزات را به همراه دارد. در حالیکه در مورد بخشی از کارگران جوان، دلیل باطنی بودن سطح عوامل فوق و وجود ریشه های قوی دهقانی مبارزات با دست زدن به یکسری حرکات تند و بدون توجه به سطح شکل و آگاهی مبارزات با این جهت مواجه شده و با سرعت بسیار رودر و قرار گرفتن با عامل سرکوب میدان را خالی کرده و با افت مواجه میگردد. مبارزه و انتخاب اشکال مبارزه بدون سازش و در عین مبارزه با فرمیسم و تمايلات فرمیستی با آرزوهای به پیچیده، از سهل به سخت و از کوچک به بزرگ با در نظر گرفتن تناسب قوا در واحد و کل جامعه ظرفیت عینی مبارزاتی با توجه به ذهنیت، شکل، تجربه و ... و بسیاری فاکتورهای دیگر مرگ است نماید. در این چنین مبارزاتی است که کارگران آبدیده شده و روح نظمی و قانونمندی مبارزه پرولتاریا را فراموش میکنند.

ج: مبارزات کارگران و شوراها

کوشش بورژوازی حاکم برای نابود و فرمایشی کردن شوراها و کارخانه و مقاومت و مبارزه توده کارگران و زحمتکشان برای حفظ و تشکیک شوراها و انقلابی را میتوان یکسری از نمودهای بارز خود بزرگی جامعه ما در شرایط پس از قیام تاکنون با همبستگی کثاکش بین انقلاب و ضد انقلاب محسوب کرد. این کثاکش در مورد شوراها که از قیام تاکنون به اشکال گوناگون جریان داشت، در سال گذشته نیز با شدت بیشتری وجود داشت.

جنبش کارگری در ادامه و متکا مسل خویش تا پیش از این توانسته بود تنظیمی عالیتر از شوراها در درون یک کارخانه یعنی وحدتی از شوراها و کارخانجات را شکل دهد. این اتحاد از دوگانان متعق گشته بود. از سویی در درون رشته های سراسری چون نفت و سایر رشته های که تحت مدیریت و سازمان واحدی قرار داشتند، نظیر سازمان گسترش و پایداری دفاع، شوراها با ارتباط با یکدیگر شوراها را سراسری را شکل داده بودند. ادامه دارد.

کثاکش انقلاب و ضد انقلاب مبارزات - اقتصاد کارگران نیز سربما "بسه مبارزه سیاسی بدل میگردد. هر چه خود جدی اقتصاد غلبه "کارگران را سربما" رو در روی دولت قرار می دهد که این امر خود در مبارزات کارگران شهرک صنعتی قزوین خوبی نمودار است. رودر و قرار گرفتن کارگران در هر صورت اعتبار در مقابل ارگانهای سرکوبگر چون پاسداران، مطرح شدن تشکیلات شوراها در مبارزات صنفی و بهیچتر این مبارزات از گنانا این تشکیلات، غیره خود زمینه های برای این سیاسی شدن مبارزه محسوب میگردد.

و اما در مورد اشکال مبارزه کارگران در جنبش کارگری ابتدای میتوان در دو بعد کلی اشکال قانونی و اشکال غیر قانونی به تقسیم برداخت. در شرایط کثاکش انقلاب و ضد انقلاب بی شک اشکال مبارزه نسبت به دوران رگودسیا متنوع میباید. بررسی جنبش کارگری بروشنی به اشکالات مبارزاتی این جنبش در روند تکاملی خود در کلیت خویش بسوی انتخاب اشکال عالیتر مبارزه، به اشکال غیر قانونی، به عمل مستقیم و به مبارزه انقلابی روی آوردن است. بدینسان اگر در چند ماه اول پس از قیام مراجع جمعی به وزارت کار، دفاع و سایر وزارتخانه های حکومتی بطرز نسبتا "چشمگیری در مبارزات کارگران مشاهده میشود. همراه با فروریختن توهم کارگران و ارتقاء آگاهی آنها روی آوردن به "عمل مستقیم" در مبارزات طبقه کارگری و فروریختن توهم نمایان میگردد. اگر در یک دوره بعد از قیام تحمیل و ادامه و لو جگیری آن کارگران کثاکش مبارزاتی است که عمدتا "از سوی کارگران بخش ساختمانی بدلیل توقف کارهای ساختمانی و بیرون نبودن کارگران از محیط کار بکار گرفته میشود. بتدریج اعتبار در کل طبقه بر آن پیشی میگردد.

بدین ترتیب در سال گذشته و بخصوص پس از جنگ بجز آن میتوان گفت که اشکال غیر قانونی مبارزه بر اشکال قانونی آن برتری چشمگیری داشته است. در این دوره تا کثاکش مبارزاتی کارگران عمدتا "شکل اعتبار و سپس جلوگیری از خروج تولید با تقدم بسیار گذر کرده است. اعتبار عمده ترین توده های ترین شکل مبارزه در این دوره بشمار میبرود. تا کثاکش جلوگیری از خروج تولید نیز بنا به وجود مبارزان و توانایی اقتصاد بورژوازی، و بی تاثیر بودن اعتبار بدلائل گوناگون و ... عمدتا در صنایع خصوصی و با کالاهای که

رفقا! در شرایط حساس و بحرانی کنونی، سازمان برای پاسخگویی همه جا نبسته به وظایف انقلابی در قبالتوده های زحمتکش، به کمکهای مالی شما بیش از پیش احتیاج مبرم دارد. کمکهای خود را از هر طریق که می توانید به همراه کد مربوطه به سازمان برسانید. (امور مالی سازمان)

الف	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ع	ف
۲۳۲۲	۵۲۲۱	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۱۱۱۹	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۲۱۱۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۰۱۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۵۸۸۸	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۶۱۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۲۱۱۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۵۲۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۵۵۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۵۰۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۰۲۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۷۳۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۲۱۱۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۲۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۶۵۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۹۲۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۶۵۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۱۱۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۰۰۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۵۶۷۸	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۱۲۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۰۰۰۷	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۶۴۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۵۵۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۵۱۸	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۰۱۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۵۰۱۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۲۵۲۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۲۳۲۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۶۲۲۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۶۱۴۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۲۱۳۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲
۱۰۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۵۵۵	۲۳۲۲	۲۳۲۲

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند

رهنمود به هواداران فعالیت تبلیغی خود را شدت بخشید

۳- تمامی رفقا باید به روشی مناسب و ممکن اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان و همچنین مقالات نشریه کار را به وسیله معتبرترین شکل ممکن تکثیر کنند و از این طریق تیراژ نشریات سازمانی را بالا ببرند. رفقا! تهیه دست‌نویس، درشت‌نویس‌های مقوایی، تکثیر توسط پلی‌کپی‌های دستی (چهارچوب تکثیر) همه و همه وسیله‌های بسیار مناسبی است که می‌توانند به‌وسیله باکمی ابتکار و عمل حضوراً را در سطح جنبش دوچندان کنند.

باید تمامی عملیات جمع‌کردن را از اعلامیه و تراکت برنمود، اتوبوسهای شهری، صف‌های گوشت‌فروشی و اتوبوس محل تعطیل سینماها، چهارراه‌های پررفت و آمد و... همه مکان‌های مناسبی هستند که در کمترین مدت با حداقل خطر می‌توان صدای سازمان را بگوش توده‌های وسیعی رسانید. ما برپخش در محلات زحمتکش نشین و میان کارگران تأکید بسیار داریم.

در توزیع وسیع، همه جا نباید یکجور نشریه کار و فوق‌العاده خبری کار بکشید. با سازمان‌دهی تیمی فروش عملی نشریه کار را به پیش‌برندگان و در هر چهارراه، در هر خیابان و در هر گوی و بزرگ‌نشریه کار فروخته شده رژیم از دستگیری و پیگردن ما عاجز خواهد ماند. می‌توان برای امنیت بیشتر مدت زمان ماندن در یک محل را محدود نمود و با یک تمفیه کوتاه مدت در محلی دیگر به فروش پرداخت.

یکی از اشکال بسیار موشربا تبلیغ که در مورد توده‌های وسیعی کار برده می‌شود، دارد، تبلیغ شفاهی است. بکارگیری این شیوه در هر مکانی که توده‌ها هستند میسر است. هنریک مبلغ آنست که بتواند مواضع سازمان را با زبانی ساده، با مثال‌های ارزندگی روزمره توده‌ها بیان کند. زبان روشنفکری را بکنار بپهنید، از افتاد به‌دام اکثریتی‌های راست توده‌ها بپایه‌ای که ما بلندبخت‌ها را از مشکلات توده‌ها و مسائل آنان منحرف سازند جدا خودداری کنید. ایک باید محور بحث‌ها را در طرح یک آلت‌رناتیو انقلابی خلاصه کرد. توده‌ها می‌خواهند راه حل مشکلات خود را بدانند. در همین سمت و سودا دن مبارزات توده‌ها بسوی حزب جمهوری اسلامی، با ارائه راه‌های انقلابی در برابر مشکلات توده‌ها می‌توان به‌افشای چهره لیبرال‌ها و ماهیت توخالی وعده‌و وعیدهای آنان دست زد.

ب- حضور فعال در میان توده‌ها، شرکت وسیع و همه‌جانبه در مبارزات آنان و سازمان‌دهی آنان.

اینکجا همه در شرایطی بحرانی بسر می‌برد و هر روز که میگذرد با ندادن یکسال در تغییر ذهنیت توده‌ها موثر است. جو حاکم برجای توده‌ها در هر لحظه تغییر میکند باید در این تغییر شکلی فعال شرکت کنیم و هر خود را بر تحولات جامعه و تغییر

رفقا! در شرایط بحرانی کنونی باید با تمام توان نیروی فعالیت‌های تبلیغی را سازمان داد. هرگونه کوتاهی در اجرای سریع، دقیق و پیگیر این وظایف ضرباتی جبران‌ناپذیر بر پیکر جنبش خلق وارد خواهد ساخت از اینرو وظایفی چند را که در شرایط کنونی شکلی عمده مطرح است بر می‌شماریم. **الف- تشدید فعالیت‌های تبلیغی:** باید به هر طریق ممکن با تمام نیرو مواضع سازمان را به میان توده‌ها ببریم. باید شعارها، بیانات را به مردم توضیح دهیم و آنان را حول این شعارها بسیج کنیم. باید توده‌ها را که از پیش از پیش به مبارزه روی می‌آورند با آلت‌رناتیوهای انقلابی آشنا سازیم. باید به توده‌ها بگوئیم که فدائیان خلق چه می‌گویند و این عمل میسر نیست مگر با تشدید فعالیت‌های تبلیغی.

شماره‌نویسی را سازمان دهد و در این عمل پیگیر باشید. وسائلی لازم را که به‌ارزانترین قیمت قابل تهیه است به‌دراست‌ترین روش‌ها تهیه کنید و وقت مشخصی را برای این عمل در برنا مه‌خود بکنجا نید. علاوه بر این همواره با یکی همراه داشته باشید و در مکان‌ها و موقعیت‌های مناسب شعارهای سازمان را بر در دیوار، داخل اتوبوس و... بنویسید. انتخاب شعار بسیار مهم است در این مورد نکات زیر را رعایت کنید:

۱- شعارها را دقیق و آنگونه که در کار می‌آید بنویسید. از نوشتن شعارهای دیگر با امفای سازمان خودداری کنید. ۲- مضمون شعارها باید محل نوشته شدن آن مطابقت داشته باشد در غیر اینصورت نیروی ما به‌دررفته است. مثلاً نوشتن شعارهایی در مورد گرانی، بیکاری و... در مناطق شمال شهر و اعیان‌نشین کاری بی‌فایده است. ۳- در این شرایط که دیوارنویسان حرفه‌ای رژیم و عناصر آن اکثریتی‌های راست توده‌ها را در تمام شهر مشغول پاک کردن شعارهای انقلابی و طرح شعارهای ضد انقلابی، ابتکار عمل، انتخاب جای مناسب و شیوه نوشتن رنگ و طرح شعار، در جلب توده‌ها بسیار مهم است.

پخش اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان را به وسیله بهترین شکل ممکن به پیش‌برندگان این مورد می‌توان رهنمودهای زیر را بکار بست:

۱- در شرایط فعلی حاکمیت با وجود بکارگیری تمامی نیروی خود قادر نیست احتیاطی سیاه را بر جامعه حاکم‌گرداند. تمامی رفقا باید از این شرایط حداکثر استفاده را بنمایانند. بر احتی می‌توان شکلی گروهی پخش عملی را سازمان داد. مسلم است که کار بست این رهنمود فقط با درک صحیح شرایط و رعایت مسائل ایمنی لازم ممکن است. باید با دقت مراقب تمفیبات‌های سازمان یافته بود.

۲- سازمان‌دهی پخش عملی، حضور سازمان را در سطح جامعه بخوبی نشان می‌دهد اما کافی نیست. در جواری عمل باید پخش مخفی در محلات و کارخانجات را به وسیله معتبرترین شکل سازمان داد. شناسایی اولیه محیط، دقت کافی در هنگام پخش و مراقبت بعدی برای مطمئن شدن از نبود تعقیب و مراقبت لازم چنین عملی است.

ذهنیت توده‌ها بگوئیم. باید بدین محیط، نفس اجتماع را در دست خود بگیریم. برای این کار باید در میان توده‌ها بود. در اجتماعات آنان شرکت کرد به بحث‌های آنان سمت و سودا داد. اعتراضات پراکنده و بی‌شکل آنان را شکل بخشید و سازمان داد. باید علیه اعتراضات توده‌ها را از سوی مسائل جزئی و روزمره بسوی حاکمیت متوجه کرد. باید در مقابل خواسته‌های توده‌ها... در عین اینکه روشن می‌کنیم این حاکمیت و هر چه حاکمیت سرمایه‌داری دیگری با شکست این خواسته‌ها نیست. به طرح آلت‌رناتیو انقلابی "شورا" بپردازیم. باید برای توده‌ها روشن کرد که باید با محور خود را خود بدست گیرند. در عین هدایت خشونت زحمتکشان بسوی رژیم، آنان را با ایده‌ها و شوراهای آشنا سازید. باید بدین روشی بدانیم روی آوری توده‌ها به مبارزات بحالت‌نظرت و آنجا را از سیاست‌های سرکوبگرانه و ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی است و فقط در صورت فقدان حرکت فعال نیروهای انقلابی لبرال‌ها قادر خواهد شد که با موج سوار گردند.

گزارش نویسی را بعنوان یکی از مهمترین وظایف سازمانی به پیش‌برندگان پیشنهاد می‌کنیم. سازمانی و حضور فعال در میان توده‌ها یک جانب‌آزاد یک رابطه دوطرفه است. رفقا! شناسایی سوئی بعنوان یک سازمان به میان توده‌ها می‌رود و از سوی دیگر باید بعنوان شاخک‌های حس سازمان تمامی وقایع، اتفاقات و تغییرات موجود در سطح جامعه را سریع و دقیق ضبط نموده به سازمان منتقل کنید. در این شرایط حساس تنها سازمانی قادر است تحلیل دقیق از اوضاع جامعه تا کتیبه‌های مناسب اتخاذ کند که شکلی کاملاً متناسب با جامعه و توده‌ها را در دست داشته باشد و این میسر نیست بجز سازمان‌دهی یک سیستم منظم، سریع و دقیق‌گزارش نویسی. رفقا! هر اوقه‌ای که بنظر کوچک و بی‌اهمیت جلوه می‌کند هرگاه بتواند گوشه‌ای از ذهنیت توده‌ها و با وقایع جاری را منعکس گرداند باید گزارش شود. هر خبری که در وهله اول مهم بنظر نمی‌رسد ممکن است در زنجیره بهم پیوسته اخبار سازمانی نقش ویژه‌ای ایفا کند. باید گزارش دهمی منظم و دقیق را سازمان داده این عمل را بعنوان یک سنت پسنندیده سازمانی به پیش‌برندگان برد.

رفقا! هرگونه سستی و رخوت را باید بکناری نهاد. باید سراپا شور کمونیستی شد. هرگونه اعمال در انجام وظایف انقلابی، حتی به‌در دادن یک ساعت از این اوقات گرانبها ممکن است عواقبسی جبران‌ناپذیر در برداشته باشد. همه‌انگونه که در کار شما ره‌آه نوشته بودیم در هر کجا هستند به این حقیقت پر شکوه بپندیشید که ده‌ها هزار تن مبارزان انقلابی در ده‌ها هزار مکان چون شما در حرکتند به این حرکت عظیم بپندیشید و در میان تمام طبقات و اقشار زحمتکش، اندیشه‌ها و شعارهای خود را نقش بندید.

پس به پا خیزید رفقا!

دنیای کار پیش روی ماست



نامبیا ۶۰/۳/۲۵

روزنامه‌های ناپرویی گزارش دادند که بتازگی حدود ۴ هزار مزدور مسلح توسط رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی برای مقابله با رزمندگان سواپو که در راه استقلال نامبیا می‌جنگند، اجیر شده‌اند. "گوریزاب" سخنگوی جنبش سواپو در زمان ملل ضمن تأکید این خبر اعلام داشت که مزدوران مذکور به کمک امپریالیستهای آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و دولت استرالیا بسیج شده‌اند.

سخنگوی مذکور همچنین اعلام داشت که رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی جوانان ۱۶ تا ۲۵ ساله را بعنوان سرباز مجبور به جنگیدن علیه انقلابیون می‌نامند.

قروسه فلسطینی در زندان

طبق گزارش سازمان آزادی بخش فلسطین، سه تن از رزمندگان فلسطینی اسیر، بتوسط صهیونیستها در یکی از زندانهای فلسطین اشغالی به شهادت رسیدند. کشتار و شکنجه زندانیان انقلابی چه در دوران بازجویی و چه بعد از آن شیوه رایج رژیم صهیونیست است. همه رژیم‌های فدا انقلابی و مرتجعین است که در برابر کشتار میارزات بی‌امان خلقها مستأمل شده و راهی جز کشتار جنون آمیز و خشکری نمی‌شناسند. نمونه کشتار ۶ - انقلابی اسیر خلق السالوادور توسط دژخیمان سالوادوری، کشتارهای مکرر زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی... و بالاخره کشتار ۹ رزمنده مجاهد فدائی در زندان شاه و ترور فدائی خلق و از رهبران خلق ترکمن و نیز ترور چریک فدائی خلق هادیان و مجاهد خلق امیر ارگنجی در زندان جمهوری اسلامی... نمونه‌هایی از استیصال رژیمهای سرمایه - داری در مقابل مبارزات خلقهاست.

فلسطین اشغالی: جمعه ۲۲ خرداد، یک جوان مبارز فلسطینی در یکی از اردوگاه‌های آوارگان در بیت‌المحمیه ضرب گلوله سربازان حکومت نظامی کشته شد. در اعلامیه فرماندار نظامی آمده است که این جوان همراه با همسرش هنگام تظاهرات علیه سربازان اسرائیلی به طرف نظامیان سنگ پرتاب کرده است و سربازان برای دفاع از خود شلیک کرده‌اند.

صهیونیستها از ترس تبدیل شدن مراسم تشییع جنازه این مبارز فلسطینی به تظاهرات گسترده، شبانه صدوی رادور از چشم مردم بی‌گناه سپردند.

شخصی که توانسته بود زاردوگاه مذکور فرار نماید اظهار داشت که افراد ساکن در این اردوگاه طی روزهای اخیر حق خروج از آنجا را ندارند و سربازان صهیونیست برای یافتن مبارزان عضو سازمانهای فلسطینی، تمامی منازل - حدود ۵۰۰۰ سکنه اردوگاهها را شدیداً بازرسی میکنند.



۴ تن از استادان دانشگاههای شیلی که اوخر ماه مه به دلیل دفاع از مبارزات دانشجویان در جهت اخراج گارد دانشگاهی، دستگیر و زندانی شده‌اند. در تاریخ ۲۲ - خرداد، نوزدهمین روزاً اعتماد غذای خود را پشت سر گذاشتند.

مبارزات دانشگاهیان شیلی در دفاع از حرم محیط آموزش خود در ماههای اخیر ایستادگانه‌ای یافته و سرکوبگران رژیم نظامی، دانشگاهها را که یکی از پهنخروشترین سنگرهای آزادی در این کشور است به اشغال خود در آورده‌اند.

روز ۲۲ خرداد: در دفاع از مبارزات - دانشگاهیان یک گروه کماندوئی از - انقلابیون شیلی طی یک حمله شبانه ۴ تن از نیروهای گارد امنیتی مستقر در دانش - گاه رازخمی نمودند.

از سوی دیگر: دانشجویان مکزیک با اشغال دفتر ریونسکودر مکزیکوسیتی ضمن اعلام همبستگی با مبارزات دانشجویان هرمز خود در شیلی، خواستار آزادی - دانشجویانی شدند که توسط رژیم پسنوشه به زندان افتاده‌اند.



پرو - لیما ۲۲ خرداد

دهفانان زحمتکش یکی از مناطقی اطراف لیما بعد از مدت‌ها تلاش از کانه‌های قاتونی برای بین گرفتن زمینهای خود که توسط دولت سرمایه‌داری به زور از آنها غصب شده و در اجناس شرکتی زراعی قرار داده شده بود، راهی اقدام نموده - زمینهای خویش را مجدداً بتصرف خود درآوردند. این اقدام انقلابی روستا - شیان رژیم حامی سرمایه‌داری را به وحشت انداخت و برای حمایت از سرمایه - داران و جلوگیری از سرایت این شیوه انقلابی به سایر مناطق، نیروهای سرکوب - گر خود را به مقابله با روستائیان کسبل داشت. در درگیری میان زحمتکشان منطقه مذکور و نیروهای دولتی یک زن کشته و ۲۷ کتای و زخمی شدند. با این همه نیروهای سرکوبگرنشواستند و روستائیان را از زمینهایشان خارج سازند.

نصرف یک شهردیگر توسط انقلابیون السالوادور

از سوی دیگر در درگیری با نیروهای دولتی، انقلابیون "جنبه" یک مستشار نظامی آمریکا را بقتل رساندند. لکن دولت السالوادور هنوز در این مورد اظهار نظر نکرده است و این بدان دلیل است که رژیم جنایتکار السالوادور از اعتراف به وجود نیروهای انقلابی و فعالیتهای آنها واهمه دارد.

بدنبال وقایع اخیر طی هفته گذشته بیش از ۵۰ جسد که بر روی بعضی از آنان آثار شکنجه نیز دیده می‌شد، در السالوادور به دست آمده است.

ضربات و خساراتی که چریکهای انقلابی و خلق السالوادور بر پیگرد رژیم دست - نشانده و مرتجع تا بلشون دوارته وارد می‌نمایند این رژیم را واداشته تا با تمام وسایل ممکن از قبیل (ارتش) گروه - های شبه نظامی و دستجات تروریستی و باندهای میسها بر شدت خشونت و سرکوب در السالوادور بیافزاید. اما تمام می - این شیوه‌ها و حتی کمکهای بی‌شمار نظامی و مالی آمریکا به این رژیم و دیگر رژیمهای دست‌نشانده منطقه قادر نخواهد بود که بحران سیاسی و اقتصادی در آمریکا - مرکزی را پایان بخشد. تنها السالوادور است که مبرودت برای همیشه به بحران - این کشور خاتمه دهد.

"جنبه" آزادیبخش فارابیوندمارتی اعلام داشت که در تاریخ ۶۰/۲۲/۲۲ شهر آکارتا شواقع در ۵ کیلومتری مرز هندوراس را به تصرف خویش درآوردند. تصرف این شهر یکی دیگر از بزرگترین پیروزیهای چریکهای انقلابی در السالوادور می‌باشد. در این جریان ۱۴۰ سرباز کشته و همچنین تعدادی نیز زخمی شدند. جنبه آزادیبخش فارابیوندمارتی اظهار - داشته است که تا کنون (۶۰/۲۲/۲۲) رژیم السالوادور، تلاشهای مذبوحانه‌ای برای باز پس گرفتن شهر انجام داده ولی موفق نشده است. از جمله، برای نجات واحدهای دفاعی خود که در محاصره نیروهای انقلابی می‌باشند، هواپیماهای جت جنگنده‌ای را به منطقه مورد نظر اعزام داشته است. این هواپیماها، حومه و کوهپایه‌های اطراف شهر آرتا تا شورا بمباران نموده‌اند. همزمان با این پیروزی - بزرگ، انقلابیون السالوادور به موفقیت دیگری نیز دست یافته‌اند و آن این است که اولین گروه‌کا در سیاسی - نظامی مدارس انقلابی "جنبه" آزادیبخش فارابیوندمارتی را برای فرماندهی واحدهای چریکی آماده نموده‌اند. این خودگامی است پس بزرگ در جهت تربیت و پرورش انقلابیون حرفه‌ای برای جنبش السالوادور.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های رهایی بخش سراسر جهان

افزایش دستمزد مناسب با افزایش قیمتها حق مسلم کارگران است

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالاها و خدمات به نرخ متوسط سال ۵۹	قیمت کل (ریال)
ب: پوشاک زن			
پیراهن تابستانی چست	۲	۱۵۰۰	۳۰۰۰
پیراهن زمستانی	۲	۲۱۰۰	۴۲۰۰
جسوراب تابستانی	۲	۷۰	۱۴۰
پوشش زمستانی	۲	۳۵۰	۷۰۰
پالتو زمستانی (هر سال یک عدد)	۱	۱۸۰۰	۱۸۰۰
رومیزی	۱	۳۰۰	۳۰۰
چادر زمستانی	۲	۹۰۰	۱۸۰۰
جمع کل پوشاک زن			۱۰۸۱۰
د: فرزندان (۲ فرزند)			
کت و شلوار (هر یک یک دست در سال)	۲	۳۵۰۰	۷۰۰۰
پیراهن (هر یک دو عدد در سال)	۲	۲۰۰	۴۰۰
زیرپیراهن (هر یک دو عدد در سال)	۲	۱۵۰	۳۰۰
زیرشلوار (هر یک دو عدد در سال)	۲	۳۵۰	۷۰۰
جسوراب (هر یک یک دست در سال)	۲	۵۰	۱۰۰
پالتو زمستانی (هر یک یک عدد در سال)	۲	۹۰۰	۱۸۰۰
کفش (هر یک یک دست در سال)	۲	۱۲۰۰	۲۴۰۰
پالتو (هر یک یک عدد در سال و نیم)	۲	۳۵۰۰	۷۰۰۰
جمع کل پوشاک فرزندان			۱۸۲۶۶
ج: مسکن و اثاث منزل و آب و برق و وسایل دست			
یک اتاق و دستوپا آشپزخانه			
یک اتاق	۱۰۰۰۰		۱۲۰۰۰۰
آشپزخانه	۲۰۰۰		۲۴۰۰۰
آب	۲۰۰		۲۴۰۰
روشنایی	۲۰۰		۲۴۰۰
سوغات (نفت، هیزم و کبریت)	۲۵۰		۲۰۰۰
جمع کل مسکن و لوازم			۱۶۳۸۰۰

حداقل نیاز زندگیها برپایه یک خانوار شهری کارگری در ایران به منظور برآورد حداقل دستمزد کارگران (معمولاً سال ۱۳۴۹ - وزارت کار)

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال به کیلوگرم	قیمت واحد کالاها و خدمات به نرخ متوسط سال ۵۹	قیمت کل (ریال)
الف: خوراکی			
نان	۱۰۹۵	۲۶	۲۸۲۷۰
برنج	۹۱/۲	۸۵	۷۷۵۶
حبوبات	۲۶/۵	۱۱	۲۹۱۵
گوشت گوساله	۷۲	۲۰۰	۱۴۴۰۰
روغن نباتی	۲۶/۵	۶۲	۱۶۴۹
ماست	۷۲	۶۰	۴۳۲۰
پنیر	۱۸/۲	۱۸۰	۳۲۷۶
قند	۱۸/۲	۲۹	۵۲۷
شکر	۲۶/۵	۲۲	۵۸۶
چغندر	۷/۲	۵۰۰	۳۶۵۰
سیب زمینی	۷۲	۲۰	۱۴۴۰
اسفنج	۲۹۲	۲۰	۵۸۴۰
کوبه فرنی	۹۱/۲	۵۰	۴۵۶۲
سبب زمینی	۹۱/۲	۲۵	۲۲۹۲
میوه (سیب و پرتقال)	۲۹۲	۱۰۰	۲۹۲۰۰
جمع کل خوراکی			۱۳۴۰۸۲
ب: پوشاک برای مرد			
کت و شلوار رنگی پشمی	۱	۷۰۰۰	۷۰۰۰
پیراهن	۲	۸۰۰	۱۶۰۰
زیرپیراهن	۲	۲۰۰	۴۰۰
زیرشلوار	۲	۲۰۰	۴۰۰
جسوراب	۲	۷۰	۱۴۰
کفش	۱	۱۷۰۰	۱۷۰۰
پالتو زمستانی (هر سال یک عدد)	۱	۱۲۰۰	۱۲۰۰
پالتو (هر ۲ سال یک عدد)	۱	۸۰۰۰	۸۰۰۰
جمع پوشاک مرد			۱۵۵۸۰

بنا بر ماده ۲۲ قانون کار مصوب سال ۱۳۴۹، که هنوز مورد تأیید شورای عالی کار جمهوری اسلامی است، وزارت کار موظف است در آغاز هر سال حداقل دستمزد کارگران را به نسبت افزایش هزینه زندگی یک خانوار ۴ نفری کارگری افزایش دهد. و برای این منظور جدول تهیه و تصویب شد که در آن ضروریترین کالاها و خدمات مورد مصرف کارگران گنجانده شده و وظیفه وزارت کار این است که با در نظر گرفتن قیمتتها جدید، هر ساله حداقل دستمزد کارگران را محاسبه و اعلام کند.

در دوران شاهنشاهی، با وجود آن که اصل قانون مذکور جدول مربوطه لحاظ نبود، رژیم با دستکاری جدول و کم کردن قیمتتها اجناس و خدمات حداقل دستمزد کارگران کمتر از واقع ارزیابی می شد و با اسامی خود قانون اجرا نمی شد و در نتیجه حداقل دستمزد نسبتاً حداقلی باقی می ماند. با سرنگونی رژیم شاه، بر اثر جنبش شده ها، دولت موقت در آغاز سال ۵۸ ناچار شد ظاهرأ طبق جدول مذکور، حداقل دستمزد را برآورد کند و اعلام داشت که حداقل دستمزد کارگران از ۲۸۹ ریال به ۵۶۷ ریال افزایش یافت.

اما در آغاز سال ۵۹، رژیم جمهوری اسلامی با تکیه بر معیشتی زسکوب و پشیمانی آن که قانون سودویژه را به بها نه "طاغوتی" بودن لغو کرده و از این راه مزایا و پاداش آنان را به نصف کاهش داد، اعلام کرد که به حداقل دستمزد کارگران فقط ۶۸ ریال افزوده می شود و به ۶۳۵ ریال می رسد. و این در حالی بود که به علت گرانی، قدرت خرید کارگران به شدت تقلیل یافته بود.

رژیم جمهوری اسلامی در خرداد ماه سال اعلام کرد که "حداقل دستمزد کارگران به رقم ۶۳۵ ریال قبلی ثابت می ماند" و تنها به دستمزد کارگران یک سال سابقه کار دارند روزانه ۴۰ ریال و به کارگرانی که مورد تأیید کمیته ای متشکل از نمایندگان کارفرما، شورای عالی و سرپرستان کارگاه باشند، به تناسب نظم و "بهرکاری" از ۲۰ - ۳۰ ریال الی ۵۰ ریال تشویقی تعلق می گیرد. کارگران می دانند که ۴۰ ریال فوق همان "حق بها" است که در ازای یک سال سابقه کار پدید می آید و مرتباً از آن به نسبت و مبلغ "تشویقی" نیز وسیله ای است در دست سرمایه داران و دولت سرمایه داری برای بهره کشی هر چه بیشتر کارگران و کوشش در جهت تفرقه افکنی میان آنان. تشبیه حداقل دستمزد برای سال جاری در شرایطی صورت می گیرد که افزایش سرمایه و هزینه زندگی بیش از پیش بر کرده

با افت است. در چنین شرایطی است که وزارت کار از تعیین حداقل واقعی دستمزد کارگران امتناع می کند تا سرمایه داران صنعتی نیز بتوانند همچون تجار بقیه در صفحه ۱۲

زحمتکشان فشار می آید و به کارگری در تمام خانواده ها یکا رگری شدت گرفته و از همین رو با رنانه آوری خانواده بیرونش تعداد کمتری از اعضای آن افتاده و سودویژه و دیگر مزایای کارگران به نصف تقلیل

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

بجای امپریالیسم، نوجوهای امپریالیسم!

Trade between Korea - Iran

A) By Korean Statistics.

(Unit : Million US\$)

Year	Export to Iran	Import from Iran	Balance
1974	48	30	18
1975	140	18	122
1976	157	172	A 15
1977	121	216	A 95
1978	164	169	A 5
1979	185	337	A 152
1980	623	650	A 27

* In 1980, Iran is No. 6 trade partner for Korea.

B) By Iran Statistics.

(Unit: Million US\$)

Year	Total Import of Iran (A)	Import from Korea (B)	B/A (%)	Ranking by Nation
78/79	10,372	76	0.74	18
79/80	12,000	180	1.5	10
80/81	8,400	500	6.0	7

C) Main Export Items to Iran from Korea in 1980.

(in Million US\$)

- o Fertilizer : 100
- o Textile Materials (Yarn, Fabrics) : 100
- o Tyre & Tube : 50
- o Chemical Materials : 30
- o Steel Products : 30
- o Paper and Woods : 30 etc.

سندی که ملاحظه می کنید مربوط به وزارت بازرگانی کره جنوبی است و قسمت A آن نشان می دهد که در سال گذشته طبق آمار کشور کره جنوبی ایران ۶۲۳ - میلیون دلار کالا ز کره جنوبی وارد کرد و ۶۵۰ میلیون دلار به آن کشور وارد کرد (که بدون شک تماما شامل نفت و فرآورده های آن است).

طبق آمار کره جنوبی، ششمین کشور طرف معامله با ایران بوده است.

در بخش B سند مزبور که طبق آمار ایران تنظیم شده، ایران در سال گذشته ۵۰۰ میلیون دلار کالا از کره جنوبی خریداری کرده، یعنی عددی را که احتیاجات خود را از این طریق تامین کرده، طبق آمارهای ایران، کره جنوبی هفتمین کشور طرف معامله با ایران بوده است.

این سندی نشان می دهد که پس از باصلاح تحریم اقتصادی، ایران به عوض این که مستقیما "از امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای تحریم کننده امپریالیستی کالای خود، از رژیم های دست نشانده، آن نظیر کره جنوبی کالای تهیه کرده، به طوری که کشور کره جنوبی در سال گذشته از نظر واردات از مقام هجدهم (نسبت به سال ۵۷) به مقام دهم (نسبت به سال ۵۸) ارتقا یافته، به این میگویند مبارزه فدا امپریالیستی! البته وقتی معامله با امپریالیسم شرقی را اینچنان باشد، زیرا این کشور به قول بهزاد نبوی

گرومی ناد سالر و زاعتصاب خونس کارگران نساچی فایم سپهر

با سر نیزه و مسلسل سرکوب شدویک کارگر بنام (علی منانی) به شهادت رسید و بیش از هفتاد از مبارزین زخمی شدند و تعداد بسیاری از آنان دستگیر و زندانی گردیدند. رژیم کا رخانه را بعدت یک هفته تعطیل کرد و عملاً در شهر حکومت نظامی برقرار نمود.

اگر چه رژیم مزدور شاه توانست اعتبار کارگران نساچی قائمشهر را بخون کشیده و سرکوب کند ولی تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران سرانجام به قیام - بهمن ۵۷ منجر شد، قیامی که رژیم مستور شاه را به زباله دان تاریخ سپرد. ولی از آنجا که کارگران و زحمتکشان ایران - در تشکیلات طبقاتی خویش متشکل شده اند و رهبری را بدست ندهند، ششاد انقلاب با دیگر بنا جمهوری اسلامی به قدرت رسیده و اکنون هر روز که میگذرد بیش از پیش کارگران و زحمتکشان در می یابند که نظام جمهوری اسلامی همانند تمام نظامهای سرما به داری، در عمل جز حمایت از منافع سرما به داران و سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران کاری نمیکند. همبای چنین درکی است که متقابلاً کارگران ایران با استفاده از تجربیات خونبار جنبش کارگری - کمونیستی ایران و جهان بسوی اتحاد و تشکل سراسری و سازمان یافتن در تشکیلات قدرتمند خویش گام بر میدارند تا بهنای طبقه کارگر، مصاف با تاریخ ساز با رژیم سرما به داری را تدارک ببینند. خاطر شهادت کارگر قهرمان (علی منانی) اگر ارمی و با درس آموزی از اعتبار خونین کارگران مبارز نساچی برای تشکیل حزب انقلابی و رژیم آفریننده کارگر، گامهای سرنوشت ساز برداریم.

در هشتم تیرماه سال ۱۳۵۴، در زمان دیکتاتور سیاه و سهمگین رژیم مزدور - شاه، اعتبار کارگران مبارز نساچی قائمشهر (شاهی) با دیگر با سر نیزه و مسلسل درهم کوبیده شد. کارگران مبارز نساچی (شاهی) که از سنت های دیرینه مبارزاتی برخوردارند و نمونه های درخشانی از مبارزات آنان در تاریخ جنبش کارگری میهن ما ن به ثبت رسیده است یکبار دیگر در سال ۵۴ صفحه خونین دیگری بر صفحات تاریخ جنبش کارگری - میهن ما ن افزودند.

اعتصاب ذرا و اخر خرد اما شکل گرفت. کارگران به خاطر عدم پرداخت سودویزه از سوی کارفرما دست به اعتصاب دوروزه ای زدند و کارفرما را مجبور به پرداخت سود - ویژه کردند، اما از آنجا که کارفرما تمامی مبلغ سودویزه را پرداخت نکرده و همچنین مراجعات کارگران به اداره کار و سایر مراجع رسمی کشور نیز (مطابق معمول) شمری نداد، لذا کارگران یکبار چه و متجدد رسید از ظهر یکشنبه ۸ تیرماه اعتبار دوم - را آغاز کردند. بلافاصله بنا به درخواست کارفرما نیروهای سرکوبگر رژیم - کارخانه به روش بردند ولی با مقاومت قهرمانانه کارگران مواجه شده و از کارخانه فرار کردند. رژیم که به شدت به وحشت افتاده بود از شهرستانهای آمل، بابل، آمل و از پادگانهای شیرگاه - نیروهای کمکی سرکوب برای مزدوران - شاهی گسیل داشت. و از سوی دیگر، دانشجویان و دانش آموزان و زحمتکشان شهرهای مجاور به حمایت از کارگران - برخاسته و در اطراف کارخانه صف شکوهمندی تشکیل دادند. دو نیرو در مصاف بل هم صف - کشیدند و درگیری آغاز شد و تا پاسی از شب گذشته ادامه یافت. و بالاخره اعتبار -

فاقد قدرت سیاسی است و "استعمارگر" نیست معامله با رژیم کره جنوبی که از نظر سیاسی تفاوت چندانی با رژیم شاه ندارد؛ به طریق اولی مجاز است!

بیش ح سندی نشان می دهد که از ۶۲۳ میلیون دلار کالای وارداتی از کره جنوبی، ۳۴۰ میلیون دلار شامل کود، منسوجات و الیاف، لاستیک و تیبوب، مواد شیمیایی، محصولات فلزی، کاغذ و چوب است و بقیه آنرا "غیره" اسرار آمیزی تشکیل می دهد که میتوان حدس زد شامل اسلحه است. علاوه بر این فزونی آمار کره بر آمار ایران گویا حاکی از آن است که ۱۲۲ میلیون دلار اسلحه قاچاق از مبدأ کره جنوبی خریداری شده است. تنها مسی این کوششها جهت پرده پوشی اسرار بازرگانی است و تمامی رژیمهای ضد مردمی و ضد خلقی بخصوص معا ملات اسلحه را از چشم مردم بدور می دارند تا مایهت واقعی خود را پنهان سازند.

عدالت به شیوه رژیم جمهوری اسلامی

چندی پیش در مسجد سلیمان برادر دکان یک نانواشی، اعلامیه ای به دست آمد که با زمان انقلابی چسبانده می شود. پاسداران از آن خوانی خواهند که اعلامیه را بکنند و راه کند. اما نا نوادر برادر تحکم و شهید را فرادسیاه مقاومت می کنند. پاسداران در برابر مقاومت نانوا و کارگران خودشان اعلامیه را می کنند و برای اجرای "عدالت" به شورای آرد و نان شهر دستوری دهند از سهمیه روزانه نانواشی ۱۵۰ کیلوگرم کم شود.

به این ترتیب مجریان عدل اسلامی به "جرم" اعلامیه ای که دیگران برادر دکان چسبانده اند، نا نوادر کارگران اورا محکوم میکنند که کمتر بخت کنند و در آمد کمتری داشته باشند و در عین حال اهالی محل هم محکوم به این می شوند که نان خود را از نانواشی دیگری تهیه کنند! پاسداران بلخ بخیر!

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

۵۰ میلیون تومان هزینه ایجاد زندانهای جدید!

اعتراض به شرایط سخت کار و افزایش دستمزدها سود ویژه و سایر خواستها به بند کشیده شده اند بقیه زندان نیسان بجرم دزدی، قتل، فحشاء، قاچاق مواد مخدر دستگیر شده اند و البته تعداد کمی نیز وابستگان رژیم گذشته می باشند که با قول همکاری با رژیم کنونی و توبه از خیانتهای پیشین و مکتبی شدن، نصف حاکمان کنونی می پیوندند و این دسته که دوره پشیمانگی را می گذرانند علاوه بر ملاقاتهای حضوری امکان سرکشی به خانه خویش را نیز دارند!

مسئولین زندانها گرچه سعی میکنند چنین وانمود سازند که افزایش زندانها برای بهبود شرایط زندانیان صورت گرفته اما مجبور به اعتراف اند که تعداد زندانیان نیز زیاده تر شده است.

هرکسی پوشیده نیست که علت افزایش بی سابقه دزدی و فحشاء و غیره ارتباط مستقیم با افزایش بیگاری - گرانی و هزینه های سرسام آور زندگی دارد. هنگامیکه سرپرست خانواده قادر نیست حتی لقمه نان برای سیر کردن شکم زن و فرزندش بدست آورد نظام سرمایه داری فرهنگ منحط این نظام اورا به جانب فحشاء و دزدی سوق می دهد و اکنون رژیم جمهوری اسلامی نه تنها قدمی جهت حل مسائل توده ها برنداشته بلکه تنها با گسترش زندانها و دستگیری و اعدام و یا محکومیت آنان سعی دارد با اینگونه جرائم که محصول نظام طبقاتی است مبارزه کند اما دزدان واقعی جامعه یعنی سرمایه داران و بزرگان مالکان را که از طریق استثمار خلق زحمتکش میلیونها تومان به جیب می زنند آزاد می گذارد، تجار بزرگ را رها می کند و فروشندهگان جزء را محکوم می سازد و بالاخره دزد بهای کلانی نظیر ۵۶ میلیون دلار را بی ارزش می نامد. اینست شیوه مبارزه رژیم کنونی با مسائل اجتماعی. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد با معطل مبارزه کننده با علتها چرا که مبارزه با علت یعنی نفی نظام طبقاتی که البته رژیم جمهوری اسلامی مدافع آنست.

اما در انقلابی نظیر ویستام و کوبا و در دیگر کشورهای انقلابی به گونه ای دیگر با اینگونه جرائم برخورد شد آنان ضمن مبارزه با نظام طبقاتی و استقرار سیستم سوسیالیستی یعنی درم شکستن علل و زمینه های اجتماعی دزدیها، فحشاء، قاچاق و غیره بسا کشودن آموزشها و تعلیمات پیشرفته سوسیالیستی و انقلابی بتدریج زندانها را برچیدند مسئله بیگاری را حل کردند و با فراهم آوردن امکانات رفاهی زمینه های اجتماعی بروز جرم را درم شکستند.

رایکا رگرفته ۱۸۰ زندان نیمه تمام آن رژیم را نیز تمام کرده و آموخته بهره برداری نموده، بلکه ۹ زندان دیگر نیز در طرح آتی خود دارد که اگر ظرفیت حداقل زندانها را محاسبه کنیم با پداز هر ۱۰۰۰ ایرانی یکی رابه بند کشند.

مثلی است معروف که هر مدرسه که بسته می شود زندانی گشوده می گردد و اکنون شاهد تحقق آنیم. بجز زندانیان سیاسی که بخش عظیمی از زندانیان را تشکیل می دهند و جرم فروش شریات را سازمانها و انقلابیها شرکت در میتینگ ها و تظاهرات و اعتراضات کارگری و...

درمعا بهای که با شورای سرپرستی زندانها از سوی کیهان صورت گرفته و در تاریخ ۱۲ اردیبهشت بهای پرسید از جمله مسائلی که مورد بحث قرار گرفت طرح اختصاص ۲۰۰ میلیون تومان بودجه برای زندانهاست که از این پول حدود ۵۰ میلیون تومان یعنی آن تنها صرف گسترش و ایجاد زندانهای جدید می شود و به همین میزان نیز صرف استخدام مراقبین تربیتی و انتظامی می گردد. جالب است اینکه این هزینه جدا از هزینه های است که تاکنون صرف اتمام زندانهای نیمه تمام شده است زیرا در این محاسبه گفته می شود که احداث ۹ زندان جدید در بودجه سال ۶۰ منظور شده ۱۸۰ دستگاه زندان هم اکنون آماده بهره برداری است!

با این حساب گویا رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زندانهای رژیم گذشته

افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمتها

د. بهداشت و نظافت	
۱۸۰۰	۵۰
۱۸۰۰	۵۰
۲۸۰۰	۲۰
۳۶۰۰	۱۵۰
۲۸۰۰	۱۰۰
۲۱۶۰	۲۵
۲۰۰	۲۵
جمع کل بهداشت و نظافت	
۱۷۳۲۰	
مردم سال	مصرف در
قیمت	قیمت
کالاها (بر اساس	کالاها (بر اساس
به نرخ	به نرخ
سال ۵۱	سال ۵۱
-	-
و: آموزش	
۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
ز: ایاب و ذهاب، معامرت و مسافرت های تفریحی	
ایاب و ذهاب روزانه	۱۸۲۵۰ (روز)
دیه و با زید ما نوار از دوستان و بستگان (ماهی یکبار)	۲۲۰۰
مسافرت ما نوار دیه ز آگاه خود (ماهی یکبار)	۸۰۰۰
زیارت، ماهانه یکبار	۲۲۰۰
دعا نیا (روزانه ۴۴۴۴ سیگار)	۲۵۵۵
جمع کل	
۵۲۵۱۵	
برول نیمه (۲۷ کل دستمزد)	
۲۸۸۱۱	
جمع کل خارج در مال	
۲۲۰۲۵۰	
حداقل دستمزد ما هیانه	
۳۲۷۰۰	
حداقل دستمزد یک روز	
۱۲۰۶	

بقیه از صفحه ۱۲

سودهای ۱۲۰۰ میلیاردمانی ببرند. در هر حال با آن که قانون کار سال ۲۹ اما با مورد تا شد کارگران نسبت به این تا تدوین قانون جدید، حداقل دستمزد بر اساس جدول یا دنده تعیین و اعلام شود. شکی نیست که این جدول شامل حداقلها نیز خواهد بود اما اینها برای تعیین و کمی بود. های فراوان دارد، برای پی بردن به کمی بود های آن که نسبت به آوری و بیم که این جدول در زمان رژیم فدکا رگری جمهوری تدوین شده است. به عنوان مثال طبق این جدول هر خانوار کارگری فقط چهار نفر (شامل مرد، زن، و دو فرزند) منظور شده، در حالی که حتی طبق آمار دولتی تعداد افراد هر خانوار ۱۰ نفر است. و با این برای این جدول، فرزندان کارگران حق داشتن اسباب بازی و پول توجیبی ندارند و به عنوان شوک نیز فقط می توانند با یک جفت کفش و هر چهار ماه یک جفت جوراب بپوشند و برای سکونت خانوار کارگری فقط یک اتاق و پستوم منظور شده و در لیست غذا از کره، مربا و تخم مرغ و در لیست پوشاک از دستکش و شال و دمپایی خبری نیست.

با این وجود بنا بر همین جدول و بر اساس قیمت های جاری، حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری باید ۱۲۰۶ ریال باشد و کارگران برای حفظ سطح زندگی ابتدای سال ۵۸ خود، برای قانونی شدن این رقم از طریق تشکل های انقلابی خود مبارزه خواهند کرد. مبارزه برای افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمتها - بخشی از مبارزه علیه نظام سرمایه داری است.

اکنون که تمامی نیروهای انقلابی بر اساس محاسبات مبتنی بر جدول مذکور به این نتیجه رسیده اند که حداقل دستمزد کارگران نباید حدود ۱۲۰۰ ریال باشد، - سازمان ما به همه نیروهای انقلابی و تشکل های کارگری پیشنهاد می کند مبارزه خود را برای تحقق این حق حداقل هماهنگ و متمرکز کنند.

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



از میان رفقایمان تنها رفیقی که در دوران قبل از مرگش لقب کبیر گرفت او بود

می‌وزد ربک کوروا و اتور بسم انقلابی را مردود می‌شمارد. او می‌گوید: "هیچ نظری برای چریک نبود سرنوشت نیست، چریک می‌جنگد، بخاطر آنکه دژ توده‌ها را تسخیر نماید و برای تسخیر این دژ مبارزه‌ای طولانی، پرحوله و قدم‌بندم لازم است، فربه زدن به دشمن گامی در این جهت بشمار می‌رود" اما "طرحی که بود و نبودن آن را مشخص می‌کند و نوعی طرح سرنوشت محسوب شود مردود است."

رفیق با چنین برداشت‌ها بی‌اظم انقلاب رهبری بزرگ برای ما زمان ما بود. رفیق برخلاف ادعای کمیته مرکزی - چریک‌های خائن نه تنها یک پرا تئیسین کبیر بلکه همچنین یکی از برجسته‌ترین تشویب‌سین‌های جنگ انقلابی در میهن ما بوده.

رفیق حمید با جمع‌بندی عملی که از حرکت سه ساله آغازین ما زمان ارائه داد، به درستی نظریه‌کا نون را که علمبرفم‌نفسی ظاهری ن همچنان روسپا تش برینش سا زمان در آن مفاطم نشسته بود رد کرد.

رفیق در رابطه با تبارب مرحله اول مبارزه انقلابی ما زمان می‌نویسد: "فنا را کما ملا" سیاسی کردیم و ما میدانیم که ما ختمیم، جا نیا زیر ققایما و قهرمانیهای آنها از زبانی در اینجا در حوضه رزمنده در مردم باقی گذاشت، با لافش نیروهای زبانی را تقریباً "بلافا مله برای همگاری با جنبش از لحاظ معنوی اما نه نمود... اتوریته و شخصیت دشمن لگد کوب چریکها شد. قدر قدرتی دشمن درهم شکسته شد و این امر بسیار مهمی بود... ما تقریباً سه اولین هدف خود رسیده بودیم. وقت آن بود که با استفا ده از تاشیرات اینجا دشمن به سا زمان دهی بپردازیم و دست آوردها - بمان را عملاً تشبیه کنیم. در آن دوره - حفظ نیروهای خودی و فربه‌نخوردن و عقب نشینی تاکتیکی خود پیروزی بزرگی محسوب می‌شد. هر هفته که میگذاشت و دشمن موفقی به او در کردن فربه به ما نمیشد، روحی رزمنده مردم بیشتر او می‌گرفت، و لایسی ما بی‌میلاتی کردیم و به دشمن اجازه دادیم

بقیه در صفحه ۱۶

از طرح شدن یک ایده می‌بایست اسلوب - مناسب و عملی برای اجرای آن را ارائه کرد وگرنه طرح ایده‌ها بدون ارائه اسلوب - عملی کار بی‌فایده است... بسیاری از فعالین گروه‌های سیاسی صرف و بی‌عمل فکری می‌کنند که با ارائه طرح‌های بسیار خوب و جالب کار تمام است... اینها چون هیچ‌گاه به طرح‌هایی که میدهند عمل نمی‌کنند، متوجه این هم نمیشوند که ارائه طرح بخش کوچکی از تحقق یک برنامه است... و این یکی از بیماریهای روشنفکران است. وقتی طرحی میدهند تحقق آن را حتمی فرض کرده و بلافا مله بفکر طراحی مرحله بعدی می‌افتند و این کار را همچنان ادامه میدهند و در آخر شا هد پیروزی را در رویاهای رومان تیک خود در آغوش می‌کشند."

رفیق اساسی ترین منطقی ما رکیبیتی را در ملاک حقیقت بودن عمل میداند. او در بر خورد به اپورتونیستهای خائنی که مبارزات انقلابی ما زمان را با انگشت گذاشتن به خطاهای تاکتیکی تخطئه می‌کنند، تصریح می‌کند، با بد توجه داشتند با شیم که بسیاری از مسائل که امروزه - روشن و واضح به نظر می‌رسند، "معما های حل شده‌ای هستند که آسان شده اند و این مسائل در هنگام وقوع آن چنان ساده نبود و با زهم تجربه لازم بود که اشکالات را نمایان - سازد. هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی‌توانستیم رشد کنیم، تاریخ تمام انقلابات نشان میدهد، که چگونه جنبش‌ها افت و خیز بسیار داشته اند و تا چه حد در ارتکاب اشتباهات بزرگ و کوچک شده‌اند و آسیب‌های بزرگ و کوچک دیده‌اند و لایسی پس از بروز شکست ها

مجدداً "بر سر پا بر خاسته‌اند، و آسیب‌ها با برقراری یک مفهوم "انتقاد از خود" - جبران کرده، جنبش انقلابی را از نو بر پا داشته‌اند و با بهره‌گیری از تبارب عملی - پیگیری از خطاهای گذشته به پیش تاخته - اند و از میان صدها شکست پیروزی فریده - اند"

رفیق در همین آنکه بر ضرورت عمل برای دست‌یابی به تجربه انقلابی تاکید

رفیق حمید مظهر انسان کمونیست دوران ما، تجلی اراده خلل ناپذیر، خشم طوفانده و شکوه عواطف رفیق و دقت نظر کمونیستی بود. او قلبی گرم و مغزی سرد برای اندیشیدن داشت. برای عشق به توده‌ها برآستی او از نیا رویزه‌ای بود.

رفیق مبارزه انقلابی و زندگی مبارزاتی را عینیتی سرشار از رنجها و مشقت‌های دشوار و طولانی و در عین حال زیبا و دوست داشتنی میدانست و بسیار بر ضرورت آشنا شدن و خو گرفتن با واقعیت‌های سر سخت و بیرون آمدن از - رما نتسیم انقلابی پای می‌فشرود و در این امر به تجربه شخصی ما زمان نیز قویا تا کید داشت. رفیق در جمع‌بندی سه ساله از مبارزات ما زمان می‌گوید: "مهمترین صفت بی‌تجربگی ما بود... ما می‌خواستیم زود به نتیجه برسیم و این ناشی از بی‌تجربگی بود. ما زمان کافی برای تحقق بخشیدن به طرح‌ها و آروزهای سیاسی خود در نظر نمی‌گرفتیم. ما می‌خواستیم تمام چیزها را که سالها در خفا آرزویش را داشتیم در عرض چند هفته با چند ماه به دست آوریم و طبیعی بود که این امکان نداشت و در جای دیگر همان کتاب در تا کید بر واقع‌نگری انقلابی خطا بیه نظریه پردازان بی عمل چنین می‌گوید:

"طرح‌های ایده‌آر زو هر قدر هم که ضروری تشخیص داده شود، بدون ارتباط با امکان عمل سا زمان چیزی حاصلی است. پس

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



یورش جدید وزارت کار

به شوراها تحت عنوان «قانونی کردن»

نماینده وزارت کار به کارخانه می‌رود و درخواست می‌کند که از کارگران رای گرفته شود که آیا حاضرند نماینده وزارت کار در انتخابات شورا نظارت داشته باشد یا نه. نتیجه رای گیری با اکثریت قاطع کارگران به مخالفت با نظارت نماینده وزارت کار منتهی می‌شود.

اما سیاست دشمنی با شوراها در این جا خاتمه نمی‌یابد. اگر در کارخانه‌ای - کارگران توانستند از این موانعی که وزارت کار بر سر راه انتخابات ایجاد می‌کند بگذرند آنگاه وزارت کار رمدعی می‌شود که شورای کارخانه را به رسمیت نمی‌شناسد.

آری وزارت کار جمهوری اسلامی میخواهد شوراها بی تشکیل هیچکدام نمایندگان آن اولاً: موردناشدن انجمن اسلامی در کارخانه باشند ثانياً: بسا ایجاد جوهر و تزلزل و خفقان در کارخانه. جات بهر کار اندی برای دیگران قبل از برگزاری انتخابات برکنار کنند و اگر نتوانستند انتخابات شورا را لغو نمایند. وزارت کار جمهوری اسلامی میخواهد شوراها بی تشکیل نموده نمایندگان آن در چهار رچوب قوانین و بخشنامه‌های ضد کارگری این وزارتخانه عمل کنند و بجای کنترل و نظارت بر کار مدیران، مطیع و فرمانبردار آنها باشند. اعمال و حرکات کارگران را زیر نظر داشته باشند و میا رزات کارگران و در جهت حقوق واقعی شان مبارز نکنند. آری وزارت کار به چنین شوراها پیسی شورای قانونی میگوید.

کارگران پیشرو و انقلابی باید به افشاکری هر چه وسیعتر اعمال ضد کارگری وزارت کار و از جمله به دخالت آن‌ها در انتخابات شورا، دست زنند. آنها ضمن این افشاکری باید به مقابله با طرح هیئت موسس که وزارت کار در درون کارخانه‌ها میخواهد ایجاد کند بر خیزند و با افشای این طرح ضد کارگری، کارگران را بسیج کنند و با تبلیغ حول تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیئت نظارت بر انتخابات از میان توده کارگران، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارند. کارگران پیشرو باید اهمیت انتخابات آزاد و دمکراتیک را در کارخانه‌ها - نجات هر چه بیشتر بین توده کارگران تبلیغ کنند و توضیح دهند که نمایندگان شورا برای مستقیم و مخفی کارکنان کارخانه تعیین شده و به وسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد. هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد افراد مورد تا شد خود را به کارگران تحمیل کند و با نمایندگان کارگران را عزل نماید و بالاخره کارگران پیشرو باید اینرا بگویند، تکرار کنند و باز هم تکرار کنند که شوراها شبکه توسط اکثریت کارگران یک کارخانه و توسط خودشان انتخاب شده‌اند، نمایندگان به حق کارگران - بوده و وزارت کار موظف است آنها را به رسمیت بشناسد.

کارگران می‌توانند انتخاب کنند، و با عضویت یک نماینده، وزارت کار در این هیئت می‌کوشند تا به هدف خود دست یابند. آنها می‌گویند: این هیئت با بد صلاحیت کاندیداهای مورد نظر کارگران را تا شد کند. وزارت کار با این موانع می‌کوشد از کاندید شدن کارگران پیشرو و انقلابی و نمایندگان مورد اعتماد کارگران جلوگیری نماید. برای پیشبرد این مقاصد انجمن‌های اسلامی کارخانه‌جات با توسل به شیوه تفتیش عقاید و جاسوسی، ابتدا کارگران پیشرو و انقلابی و با نمایندگانی که در دوره‌های گذشته در جهت منافع کارگران عمل کرده‌اند، شناسایی کرده و به وزارت کار جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند. مدیران کارخانه‌جات نیز با همکاری انجمن‌های اسلامی و تا شد وزارت کار قبل از اینکه در کارخانه‌جات مسئله انتخابات شورا در دستور کار قرار گیرد، با تمام قوا سعی در اخراج کارگران پیشرو و انقلابی می‌کنند، از جمله در گروه صنعتی کفش ملی قبل از آن که جریان انتخابات شروع شود تعداد زیادی از نمایندگان شورای مرکزی - وعده، زیادی از فعالین کارخانه‌جات دستگیر و اخراج و زندانی شدند. در یکی از واحدهای گروه صنعتی کفش ملی (استاندارد)، آنها پس از اینکه اغلب نمایندگان شورای مرکزی را دستگیر و زندانی و اخراج کردند، مسئله انتخابات شورا را مطرح کردند. اما کارگران متحداً اعلام نمودند که تنها نمایندگان اخراجی را به عنوان اعضای شورا تا شد می‌کنند.

کارگران پیشرو باید اینرا بگویند: تکرار کنند و باز هم تکرار کنند که شوراها - شبکه توسط اکثریت کارگران یک کارخانه و توسط خودشان انتخاب شده‌اند. نمایندگان به حق کارگران بوده و وزارت کار موظف است آنها را به رسمیت بشناسد.

در کارخانه‌جات پارس الکتریک نماینده وزارت کار برای نظارت بر انتخابات به کارخانه می‌رود. کارگران در یک مجمع عمومی دست به افشاکگری علیه نماینده وزارت کار زده و او را از کارخانه بیرون می‌کنند. با ردیگر

از آغاز سال ۶۰ مسئله انتخابات شورا - ها و مبارزه برای تشکیل شوراها بطور سراسری در اغلب کارخانه‌جات اوج گرفته است. کارگران که در پی مبارزات خود بتدریج بی می‌برند که تنها با ایجاد و حفظ تشکلهای شورایی قادر خواهند بود از حقوق واقعی خود دفاع کنند، به گیرانه برای انتخاب نمایندگان که در جهت منافع آنان کاملاً مورد اعتماد و تکیه می‌کنند. تا ما رژیم جمهوری اسلامی که نتوان از - با سخگوشی به خواسته‌های حداقل بنوده کارگران است و در هر قدم در جهت تامین منافع سرمایه‌داران و تجار کارگرمیدارد، در مقابل جنبش کارگری، - سیاست سرکوب گسترده و بی‌امان را بر گزیده است. یکی از اهرم‌های پیشبرد این سیاست سرکوب، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی است. وزارت کار بعد از گذشت بیش از دو سال با آنگاه به قانون کارخانه‌جاتی با زوری نیرومندی برای سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آنان در جهت غارت و استثمار هر چه بیشتر توده کارگران بوده است. هنوز هم با چماق ماده ۳۳ قانون کارخانه‌جات و کمیته‌های داوری و با شورای حل اختلاف، زمینیه قانونی اخراج کارگران را فراهم میکند. این وزارتخانه در این دو سال سعی از دشمنی با شوراها و کارخانه‌جات دست برد نداشته است. وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی که مانند سایر ارگان‌های حکومتی پس از قیام در صدد انحلال شوراها - کارخانه‌جات بود، پس از ناتوانی در این زمینه، سیاست فرمایشی کردن شوراها را در دستور قرار میدهد. و اکنون بدنبال همین سیاست با توسل به حيله «قانونی کردن» شوراها، اهداف سرمایه‌داران را تعقیب می‌نماید. در شرایط کنونی وزارت کار با همکاری مدیریت کارخانه‌جات و تلاش به گیران انجمن‌های اسلامی در مقابل انتخابات آزاد و دمکراتیک در کارخانه - جات ایستاده است. هر جا که مسئله برگزاری انتخابات با مجد شوراها مطرح میشود، وزارت کار تحت عنوان نظارت بر انتخابات و رسمی کردن نمایندگان شورا وارد عمل میشود. آنها از یک سو با طرح خواسته‌های می‌کوشند از کاندید شدن نمایندگان که مورد اعتماد کارگران هستند جلوگیری کنند و اگر در این مرحله موفق نشوند آنگاه با پیش کشیدن هیئت موسس که اعضای آن را فقط ده درصد

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۱۹

بعد از این ضربه، نیروهای سرکوبگر که خود را در مقابل عزم و اراده خلق کرد حقیر می بینند و برای جبران شکست های خود دست به هر عمل بی شرمانه و جناحیت با ری می زنند، از جمله روز جمعه بیست و دوم خرداد، روستای دارلک را به آتش می کشند.

درگیری پیشمرگان فدائی در مرپوان با سرکوبگران خلق کرد

در روز دوازدهم خرداد عسدهای از ارتشیان، جا شها و پاسداران به قصد سرکوب مردم اطراف مرپوان و اصلاح با کسای روستای گورگتسی و احمدآباد در ۲۵ کیلومتری مرپوان به سمت این روستا حرکت می کنند. هنگامی که این خیریه پیشمرگان فدائی می رسد گروهی از آنان به سمت روستا حرکت نموده و درگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی شروع می شود. سپس از مدتی پیشمرگان حزب دمکرات به کمک پیشمرگان فدائی آمده و درگیری دو ساعت و نیم به طول می انجامد. منطبق اعلامیه ای که تشکیلات مرپوان انتشار داده، در این درگیری، چهار راجا و شش پاسدار ارتشی کشته و عده ای زخمی می شوند و سرکوبگران عقب نشینی می کنند.
(نقل از سومین شماره خبرنامه بیوکان)

گرامی باد خاطر و مجاهد شهید رضاشائی

بقیه از صفحه ۲۰

وا ز خلق دفاع کرد و قهرمانان به شهادت رسید.

رژیم جمهوری اسلامی دیوانه در روزی نا مه هایش سعی دارد با درج خبر سالگرد شهادت این مجاهد روز منده، او را از زمان مجاهدین که هم اکنون مبارزات درخشان این روز منندگان را دنبال می کنند مجازاً سازد و حال آنکه این عزیزان در دست به دلیل همین اختناقها، سرکوبها و کشتارها که رژیم کنونی نیز با دست میزند به مبارزه برخاسته و سازمان مجاهدین خلق نیز با او می باشد. در حالی که خانواده رضاشاهی که ۴ شهید به پیشگاه خلق قهرمان ایران تقدیم کردند تحت شدیدترین تضییقات و فشارها از جانب رژیم سرکوبگر کنونی قرار دارند.

اکنون توده ها پیدا شدند و شهادتیه رژیم را با ورنه دارند و میبایزات خود برای همان دستاورد هایی که بخاطر آن مدها رضاشائی را از دست دادند ادامه خواهند داد.

خبر کوتاه بود،

اعدامشان کردند

هموطنان مبارز! زحمتکشان ایران!

بار دیگر دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بخون فرزندان خلق آلود شد، وطنی دو کشتار دسته جمعی ۲۳ تن از فرزندان راستین خلق در برابر جوخه اعدام دژ عیمان رژیم قرار گرفتند.

رژیم جمهوری اسلامی دیوانه و اروهار، ضربه کشتار رتوده های مردم و فرزندان انقلابی آنها بسته است. هنوز چند روزی از کشتار جناحیتکارانسه، کارگران شهرک صنعتی البرز، بدست پاسداران مزدور سرما به و شنبه خونین تهران نگذشته بود که بخاطر چند ساعت خیرا اعدام ۲۳ تن از فرزندان انقلابی خلق، فدائیان خلق، مجاهدین خلق و انقلابیون دیگر بدست دژ عیمان رژیم منتشر شد. در میان آنها می اعدام شدگان نام انقلابیون سرشناسی چون فدائی خلق، سید سلطا نیورشا عرو هنر مند انقلابی، محسن فاضل روز منده انقلابی که مدت ها علیه رژیم شاه و دژشادوش خلق قهرمان فلسطین علیه دشمن صهیونیستی اسرا شیل جناحیتکار رها زده کرد، دیده می شود.

نظیر این جنایات هولناک جمهوری اسلامی، این کشتارهای دسته جمعی این اعدامهای بدون محاکمه را تنها در رژیمهای فاشیستی، هیتلر و فرانکو، در رژیمهای فدخلقی و مرتجع آرزانتین، رژیم مزدور شاه میتوان سراغ گرفت. اما رژیم جمهوری اسلامی در جلادی و قساوت گوی سبقت را از بسیاری رژیمهای فاشیستی نیز برده است.

کدام رژیم فاشیستی کودکان ۱۴ تا ۱۵ ساله را بجوخه اعدام می سپارد؟ - کدام رژیم فدیشری را در دنیا میتوان سراغ گرفت که دختران محفل را بر کبار مسلسل بندد و اعدام کند؟ کدام رژیم فاشیستی این چنین بی محابا دست به اعدامهای دسته جمعی بدون محاکمه میزند؟

این اعدامها، این وحشیگریها و این جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بیانگر ما هیت ارتجاعی، فدخلقی و ضد بشری این رژیم است بلکه در عین حال اوج در مانندگی، بوسیدگی، انحطاط و ضعف رژیم را نشان میدهد که آخرین لحظات حیات تنگینش را میگذارند.

رژیمهای ضد مردمی هنگامی که آخرین لحظات حیات خود را نزدیک می بینند، دیوانه و ابر رجنا بیستی متوسل می شوند، تا بخاطر خام خود شایسته چند روزی دیگر بحیات تنگینشان ادا مدهند.

رژیم مزدور شاه نیز در آخرین لحظات عمر تنگینش در دست بهمین شیوه ها متوسل می شد، اما دیدیم که قدر این تلاشها مذبحها نه بود و نتوانست بگ لحظه رژیمش را از سقوط حتمی نجات دهد. بنا بر این جنایات رژیم جمهوری اسلامی و اعدامهای دسته جمعی نه دلیل قدرت دژ عیمان جمهوری اسلامی، بلکه دلیل ضعف، در مانندگی و ناتوانی رژیم است که مدام در سراشیب انحطاط و سرنگونی دست و پا میزند. تردیدی نیست که سرنگونی هولناک تراز رژیم مزدور شاه، در انتظار دژ عیمان جمهوری اسلامی است. خلق انتقام فرزندان خود را از این جناحیتکاران نیز خواهد گرفت و رژیم جمهوری اسلامی را در کنار رژیم سلطنتی شاه بگورستان تاریخ خواهد سپرد.

مانند دژشادوش خلق، و استوار تر و بیگتر تراز همیشه به نبرد علیه رژیم اختناق و سرکوب، علیه استعمار و مستعمران رژیم خود ادامه خواهد داد و با بسن جنایات رابی جواب نخواهیم گذاشت.

گرامی باد ابا ۲۳ تن شهید بخون غخته خلق که بدست دژ عیمان رژیم جمهوری اسلامی شهادت رسیدند.

یادشان گرامی و راه پر افتخارشان جاویدان باد

آزادی سیاسی تامین، باید گردد، شورای انقلابی ایجاد باید گردد

ناسداران سرمانده راهسنانی کارگران قهرمان شهر صنعتی البرز را محو کسندند

بقیه از صفحه ۱

ما چرا چه بود؟
در تاریخ ۲۵ خرداد سپاه پاسداران - شهر صنعتی اطلاعاتی صادر نمود و در آن در همین اعلام سخنرانی استاندار در روز ۲۷ خرداد ماه - بر طبق روش همیشگی رژیم که برای سخنرانی ها و راهیها میباشند از طریق بخشنامه و اطلاعیه نیروها را مجبور به آمدن میکنند - تمام کارخانجات را موظف داشته بودند تا کارگران خود را از ساعت یک بعد از ظهر به سخنرانی بفرستند. مخالفت کارگران با حضور اجباری در سخنرانی از همان ابتدا شکل گرفت. و حتی حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر قبل از ظهر مرضی گرفته از کارخانه خارج شدند.
در ساعت یک کارگران از کارخانجات بیرون آمدند اما به سخنرانی نرفتند. در این هنگام بود که نطقه های حرکت اعتراضی از سوی کارگران بپا آمدن شعار "مرگ بر بهشتی - درود بر بی بنیاد رستم شد. اما پس از جمع شدن کارگران شعارها به سرعت به "اتحاد - اتحاد - اتحاد" کارگران اتحاد" و "کارانی، بیگانه رینا بودیا بدگرده" و ".... بدل شد. کارگران که تعدادشان به ۲۰۰۰ نفر میرسد پس از مغروب کردن فرمانده سپاه پاسداران شهر صنعتی که قصد داشت آنها را پراکنده کند تصمیم گرفتند بسوی نزوین دست به راهیها می بزنند. بیشت

بیگاری، کمپانی بی ما بختا چا ولیه، جنگ آوارگی برای زحمتکشان بیارنیا وردماست. کارگران بدرستی دریا فته اند که رژیم جمهوری اسلامی در مقابل توده ها قرار دارد. سرکوب، خفقان، اختناق و اعمال سانسور سیاه فقط و فقط برای جلوگیری از رشد انقلاب مبارزات توده ها، جلوگیری از رشد انقلاب و حمایت از منافع سرما به داران زمین داران است. و همین کارگران مبارز دریا فته اند که تنها و تنها عمل مستقیم آنهاست که میتواند خواستها را برحقشان را برآورد و سازد و حقوق مسلم آنها را از حلقوم سرما به داران و حامیان شان بیرون بکشد. و این حرکت یکپارچه کارگران - شهر صنعتی البرز در مقابل فشار، سرکوب و اعمال زور و فتنه نویسی از سوی بیگانه و "عمل مستقیم" و "مقا بله" آنان با رژیم جمهوری اسلامی و نهادها و مرکوبگرش است. همه ها نگویند که گسترش حرکات اعتراضی توده ها در هفته های اخیر، اعتراضات، تظاهرات، تظاهرات با نیروهای سرکوبگر و... نشانه ای از واگیری نویین جنبش خلق است که حرکت یکپارچه کارگران شهر صنعتی نیز آینه های پر شکوه از مبارزات روبه اعتدالی طبقه کارگران ایران را به نمایش می نهد.

رژیم جمهوری اسلامی با کشتار کارگران بیباک خاسته شهر صنعتی البرز، با به راهیها بستن صفوف راهیها با ن، بیبا به شهادهای رساندن بیش از ۱۰ کارگر و به غور کشیدن بیش از ۱۰ نفر با دیگر خا طره جنا یا چشم منفور پهلوی، خا طره کشتار وحشیانه جهان بیت راداران توده ها زنده کرده رژیم با ردیگر نشان داد که در مقابل خلق توده ها ایستاده است و جهت حفظ منافع سرما به داران دست به هرکشتاری خواهد زد. رژیم با به راهیها بستن کارگران شهر صنعتی البرز و با به گلوله بستن وحشیانه تظاهرات مردم در تهران (۲۰ خرداد) بخوبی نشان داد که در جهت برقراری رژیم ترور و اختناق از هیچ کوششی فرو گذاری نمی کند.
اما توده ها که بر اثر این کشتارها و سرکوبها روز بروز بیشتر چهره خدخلقسی رژیم را می شناسند، با گسترش مبارزات خود درس جانانه ای به سرکوبگران خواهد آموخت. درسی که تاریخ - و توده ها که سازنده آنند - به تمام می سرکوبگران خلقها آموخته اند.

رفقا! هواداران!
با شما می توان خود، در جهت گسترش مبارزات فدا مهربان نیستی - دمکراتیک شعار
«مرگ بر حزب جمهوری اسلامی،
زنده باد شوراهای انقلابی، پیش
بسوی تشکیل مجلس مؤسسان»
را بردار و دیوار شهر بنویسید.

از ۱۰۰۰ کارگر مبارز با شعار کارگران - اتحاد، اتحاد - "مرگ بر بهشتی روانه قزوین شدند. پس از رسیدن سیل خروشان کارگران به جاده اطلی قزوین تهران عده بسیاری از کارگران کارخانجات - "فرنگ" و "تازنگ" نیز که با خبر شده بودند به آنان می پیوستند.
راهیها می پر شکوه کارگران بسوی قزوین ادا می میباید اما در مقابل پمپ بنزین بیش از ۱۰۰۰ راهیها در مقابل صف رزمندگان کارگران قرار گرفته، انسان راهیها را می بینند. کارگران پس از مدتی مقاومت به باغات و کارخانجات اطراف جاده پناه می برند و سعی می کنند به طریق خود را به شهر برسانند. اما پاسداران به کمک فلولانها اقدام به دستگیری و سنج کارگران می کنند.
حرکت گسترده و یکپارچه کارگران قهرمان شهر صنعتی البرز نشانه ای است از خیزش کارگران در مقابل سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و کارگران مبارز شهر صنعتی البرز همچون بسیاری از دیگر کارگران سراسری ایران، بدرستی درک کرده اند که رژیم جمهوری اسلامی بیش از دو سال حا کمیت با حمایت از سرما به داران و زمینداران و با ممانعت و نزدیکی با امپریالیسم چیزی جز فقر، گرانگسی،

از میان رفقایمان تنها رفیقی که دوران قبل از مرگش لقب کبیر گرفت او بود

بقیه از صفحه ۱۵

که در عرض مدت کوتاهی ضربات میبازند. البته ما قطعا "فتره میخوریم و با این اجتناب نا پذیر بود، ولی میبایست آگاهانه و با وقوف به تائیرات مثبت ضربه نخوردن حداقل برای مدتی کم بتوانیم با به همتی سازمان را تا حدی مستحکم نمائیم، از سر خوردن اجتناب میگردیم و خود را آماده دفاع از دست آوردها می نمودیم.
رفیق در زمینه تشکیلات نیز از درایت بی نظیری برخوردار بود بطوری که طی سازماندهی مبارزه اش بیشترین بار سازماندهی را بدوش می کشید، و از کمترین امکانات بیشترین استفاده را برای سازمان به ارمغان می آورد، هم چنین در زمینه برخورد به ضعف ها رفع نقایب سازمان با تکیه بر اصول طلایی تحرک و انتقاد از خود بنزرگترین خدمت ها را به سازمان نمود. رفیق عظمت و ارزش والای رفقای - کمونیست خود را بخوبی درک و در باره هم روزمانش میگفت، رفقای ما نمونه کاملی از صفات انقلابی بودند. رفقای ما به خاطر اعتقاد داشتن بی مهابا به خطری را تقبل میکردند. و معمولاً به تنها چیزی

که به ما امید دادند، همان نشان بود و همین عنوان یک شعار بلکه بعنوان یک واقعیت صدق پیدا میکرد، همچنان که امروز نیز چنین است و او خود نمونه بزرگی از آن چه در باره دیگران میگفت بود.
رفیق حمید همچنان که نسبت به همرزمان مدیقت سر با عشق میورزید نسبت به آن که ضعف های اساسی نشان میدادند با در نیمه راه جنبش خیانت میورزیدند همچنان که به دشمن سخت کینه میورزیدند قاطعیت انقلابی با آن برخورد میکرد. بیپرده نبود که پورتونیستهای یرنگارنگ از ترس تسکینهای خجول تا روشن فکران - مردها و را با استالین مقایسه میکردند و از وجود شیخ استالین نیستی بر سازمانی که او آن راهبری میکرد دم میزدند.
آری او ظهور و افق نظام انقلابی تشکیلات بود و در این رابطه گذشت نمی کرد، بگوئیم با ایمان به پیروزی راهمان، در راهی که از عین رفقای چون اولاده گون است، استوار بمانیم و انقلاب را در پیوند بسا توده ها در نبرد طولانی بسرا نمانیم.

نابودی انقلاب خواست حزب حاکم، ادامه انقلاب، خواست زحمتکشان



خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

صفحه ۲۰
نقشه از

سرسو) - جاده بوکان - سقر (روستای سزا) و منطقه مریوان، به حرکت درآمده اند و با تک سازماندهی مشترک، مشکل آزارش سیاد، بیسیج، زاندارمری و هوای نیروز در تدارک جنایات تازه ای علیه خلق قهرمان کرد می باشند. ولی سرکوبگران در اولین حرکات خود با شکست های سنگین و مفتضحاتی که خلق کرد و پیشمرگان قهرمانش بر آنها وارد آوردند، مواجه شدند.

مهاباد

در منطقه اطراف مهاباد در روستاهای دارلک - گوک تپه - ولجکما ندوهای هوا نیروز قعدا شدند با هلیکوپتر در منطقه پیاپی ده شوند و به زم خود، نیروهای پیشمرگه و توده های مسلح آغا فلکیگر گشته اما سرکوبگران خود به کمیسیون پیشمرگان قهرمان افتادند. بدین ترتیب که هلیکوپترها بی که قعدا شدند کما ندوها را پیاپی ده کنند، توسط پیشمرگان به رگیا رسته شده و هر دو هلی کویتر منهدم شدند، و نیروهای کما ندو به هلاکت رسیدند. عده زیادی از نیروهای کمکی کما ندوها نیز توسط پیشمرگان و توده های مسلح کشته و زخمی شدند. در این درگیریها حدود ۹۰ تن از سرکوبگران کشته و تعداد زیادی زخمی شدند، علاوه بر این ۲ هلی کویتر منهدم شد و مقدار زیادی مهمات و اسلحه بدست پیشمرگان افتاد. همچنین در این درگیری ۱۰۰ تن از پیشمرگان و مردم شهید و زخمی شدند. یادشان گرامی باد.

- در دره قاسملو جاده با نه نیروهای سرکوبگری مقاومت پیشمرگان و مردم مسلح مواجه شدند و بعد از دادن تعداد زیادی تلفات مجبور به عقب نشینی شدند.
- در جاده سقر - بوکان نیروهای سرکوبگری خمپاره روستاها حمله کردند در این درگیری ها یک پیشمرگه شهید شد. و یک هلی کویتر دشمن سرتگون گردید.

سقر

نیروهای سرکوبگر مستقر در تپه آلتون در نزدیک شهر سقر، شبانه مورد حمله پیشمرگان خلق کرد قرار می گیرند. در این عملیات دهها نفر از مزدوران کشته و زخمی می شوند، ۹ نفر به اسارت در می آیند و قبضه توب دشمن منهدم و مقرشان به آتش کشیده میشود. در این عملیات متجاوز از چهل قبضه ز-۳ و مقدار زیادی فشنگ و دیگر تجهیزات نظامی بدست پیشمرگان می افتد. دو پیشمرگه قهرمان در این درگیری شهید می شوند یادشان گرامی باد

نقشه در صفحه ۱۷

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق سعید سلطانپور

پتک است خون من در دست کارگر (سعید سلطانپور)
داس است خون من در دست بزرگر

هموطنان مبارز! نیروهای انقلابی و متوقی جهان!

فدائی خلق سعید سلطانپور را عرو هنرمند انقلابی، و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، که بخاطر مبارزات آشتی ناپذیرش علیه رژیم شاه شهرت جهانی داشت، شامگاه دیروز در زندان اوین بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی بخود اعدام سپرده شد و بشهادت رسید.

این جنایت سنگین که بگنا ردیگر چهره کربه و خد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را بتمام نیروهای انقلابی ایران و جهان نشان داد، لکنه ننگ دیگری است بر چهره جنایتکاران و عوا مفریبانی که می کوشند با بهای لیزان حکومت خود را برترور، اعدام و گشتار نیروهای انقلابی قرار دهند.

رفیق سعید سلطانپور عضوا زمان چریکهای فدائی خلق ایران کسبه زندگی خود را در راه توده های زحمتکش و آرمان والای کارگران قرار داده بود، از سالها پیش مبارزه ای بی گبر و خستگی ناپذیر را علیه رژیم شاه آغاز کرد. او تمام نبوغ و خلاقیت هنری خود را در خدمت خلق بکار گرفت. چندین بار بزندان افتاد، و چندین سال از عمر خود را در سیاهالهای ساواک و در زیر شکنجه های مزدوران رژیم شاه گذراند. اما این شکنجه ها و زندانها نمی توانست کمترین خللی در مبارزات او علیه رژیم شاه ایجاد کند، بلکه با لعنتی با هر زندان و شکنجه ای آبدیده تر و استوارتر میماند. مبارزه آمد، تا وظیفه خود را در خدمت توده های زحمتکش انجام دهد. رفیق سعید که مبلغانی توانا بود، فعلا لانه در - افشای جنایات رژیم شاه می کوشید، او پیش از سرنگونی رژیم طی یک سلسله سخنرانی ها در کشورهای مختلف جهان، جنایات رژیم و شکنجه های مزدوران ساواک، را افشا کرد و ما هیت جنایتکارانه رژیم پهلوی را به مردم - سراسر جهان معرفی کرد.

رفیق سعید که بی گیرانه از منافع توده های زحمتکش و طبقه کارگر ایران دفاع میکرد، پس از سرنگونی رژیم شاه علیه سیاستهای ضد خلقی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بمبارزه برخاست و ما هیت سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی آنها را افشا نمود. رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات و شخصیت انقلابی او بهراس افتاده بود، در تاریخ ۲۷ فروردین روزی که قرار بود مراسم عروسی سعید برگزار شود، او را با زداشت کرد و از آنجا که از انعکاس خبر با زداشت او در میان مردم وحشت داشت حتی از اعلام خبر با زداشت او خودداری کرد. سازمانها و شخصیتهای انقلابی و متوقی جهان علیه با زداشت سعید بمبارزه برخاسته، و بی گیرانه خواستار آزادی او شدند. اما سران و رهبران کودن جمهوری اسلامی که یک ذره نیز از تجربه سرنگونی رژیم شاه درس نیا موخته اند، و همانند رژیم شاه تصور می کنند که با ترور و گشتار انقلابیون می توانند جلومبارزات توده های مردم را سد کنند، در شامگاه روز گذشته سعید را بدون محاکمه و تنها با تهمام مبارزاتش علیه رژیم شاه به جوخه اعدام سپردند، و با ردیگر خار طره تو نور رقبا بیژن جزئی و همزمان او را در زندان اوین بدست رژیم جنایتکار شاه زندان کردند. اما چه خیال باطلی! هر انقلابی که برخاک می افتد، دهها انقلابی بیامیخیزند، و هر فدائی که برخاک و خون در می غلطد، جای او را دهها فدائی خواهد گرفت.

هموطنان مبارز! نیروهای انقلابی جهان!

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق سعید سلطانپور به همراه ۲۳ تن از فدائیان خلق و مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی دیگر، ما هیت ارتجاعی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر عریان میکند. به هر وسیله ممکن، علیه این سیاستهای جنایتکارانه رژیم به خیزید و در افشای آن بکوشید.

ننگ و نفرت بر جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد



یادشدهای تیرماه گرامی باد



لایق مهربانی / فاطمه حسینی / یوسف قانع خشکیجاری / محمد رضایشیری



عسکرحسینی ابوده / علی اکبروزیری / محمدحسین حقنواز / طاہرہ خرم

رهائی کارگران برقلم پیروزی، امتداد می‌یابد.
در سحرگاه خونین هشتم تیرماه ۱۳۵۸ فداشی کبیر و رهبر ما زمان، رفیق، حمید اشرف و ده فداشی دیگر، رفقا

- ★ غلامعلی خراطپور
- ★ محمدحسین حقنواز
- ★ یوسف قانع خشکیجاری
- ★ محمد رضایشیری
- ★ غلامرضا لایق مهربانی
- ★ علی اکبروزیری بقیه در صفحه ۴

همان شب ۱۳۴۹ سواغ از جنبش نوین کمونیستی ایران و آغا زهرکت سا زمان ما بود. فداشیا ن خلق طی طایفه سال مبارزه سخت و پیرامان و به گریز با دشمنان و خلق و طبقه کارگر، مهربلان بر تا ریخه ننگین خیانت های ما زشکاران و اپورتونیست های خانه نشین کوبیدند - آنها با قهرمانی های خود در کوه و خیا بان و در رویا روشی با مزدوران رژیم، در زندان ها، شکنجه گاهها، در میدانی های خیرحما سه ها آفریدند و عشق و ایمان خود را به زحمتگشان و به رهاشی کارگران، همچون خونی تا زه در رگ های جنبش کمونیستی ایران جاری کردند.

با دشهدای تیرماه را گرامی می‌دانیم و پیمان خود را با آنها تجدید و تحکیم می‌کنیم، خط سرخی که با خون فداشیا ن شهید رنگ گرفته تا استقرار پرچم سرخ -

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی دست به سیاستهای تازه‌ای جهت سرکوب خلق کرد زده‌اند اما در اولین حرکات خود با ضربه‌های سنگینی از جانب پیشمرگان و خلق قهرمان کرد روبرو شدند

اخیرا "نیروهای سرکوبگر به یک بورش وسیع و تقریبا "سرتا سری علیه جنبش مقاومت خلق کرد، جهت استقرار مجدد ارتش در مناطقی از آذده از جانب خلق کرد، مبادرت ورزیده‌اند. طبق آخرین اخبار روگزارشات از دوا زده‌م خرداد، ستونهای ارتشی و سایر نیروهای سرکوبگر در مناطقی دره‌ها سملو شده‌اند با نه جا ده رومیه مها باد (روستا های دارلکو کوی تنه ولج) جا ده سفزمریوان (منطقه بقیه در صفحه ۱۹

گرامی باد خاطره مجاهد شهید «رضارضائی»

در نیمه شب ۲۵ خرداد ۱۳۵۲ طی یک دزگیری مسلحانه که بین رضا رضائی، یکی از اعضای کار مرکزی سا زمان مجاهدین خلق ایران و مزدوران ساواک بوقوع پیوست این مجاهد لیریشا دت رسید. حماسه رضائی ها با رضائی و فرار او از زندان و شکنجه گاه او بین آغا زکشته با شهادت قهرمانانه احمد رضائی اولین شهید سا زمان مجاهدین خلق که با نا رنجک خامن کشیده به میان مزدوران ساواک رفت، او و ا اعتلای تا زه ای گرفت و با مقاومت پولادین شهید رضائی این شهید ۱۹ ساله تکمیل شد.

رضا رضائی ز سال ۴۹ تا هنگام شهادتش نقش ارزنده‌ای در پیشبرد مبارزات سازمان مجاهدین و جنبش خلق ایفا کرده و در آخرین نبرد نیز به مقاومتی دلیرانه دست زد و تا آخرین گلوله سلاحش از انقلاب بقیه در صفحه ۱۲

گرامی باد خاطره رفیق شهید دکتر اسماعیل نویمیسا

در زمان رژیم منفور پهلوی و چه در دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر خدمت پزشکی در شهرهای خوزستان از جمله سوسنگرد و اهواز، همواره در آگاه ما ختن توده‌ها به واقعبیات موجود نقش برجسته ای داشت و وحشت رژیم نیز از همین مسئله بود. او پس از دستگیری در یک دادگاه فرمایشی ما که به وجهه ا عدا سپرده شد اما فرزندان انقلابی خلق در قلمسب توده‌ها همواره زنده اند و آما نشان را توده‌ها از حمتگشان ایران و با لاین غلبت قهرمان خوزستان پی میگیرند.

ششم تیرماه مصاف با سا لگردشادت فداشی شهید رفیق نویمیسا می‌باشد پزشکی که تنها بجرم خدمت به خلق و با خاطر آرمانهای انقلابی، به حو خه ا عدا م دزخیسان رژیم جمهوری اسلامی سپرده شد. جرما و ایز خمیا نی بود که در چادنه داننگاه در سال گذشته بدست سرکوبگران رژیم مورد ضرب و جرح قرار گرفته بودند. او که فرزندی کارگر زحمتکش شرکت نفت بود بخوبی در با فته بود که خدمت پزشکی در واقع جزئی از وظایف انقلابی یک پزشک است و از همین رو چو

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر